

بچه‌ی نوتروفیلی من ، سلام 🍷

به رسم همیشه که توی این مسیر کنارت بودیم ، این بار هم یک مجموعه سوال برای شب امتحانات آماده کردیم که با کار کردنشون تسلط رو افزایش بدی و به امید خدا بری واسه نمره‌ی ۲۰ 🍷 جان دلم نترسی از سختی امتحانات اگه به کتاب درسی کاملا مسلط باشی و این مجموعه سوال رو هم به عنوان مکمل حل کنی مطمئن باش نمره‌ت بهتر از چیزی که فکرش رو کنی میشه 🍷 یادت باشه امتحانات نهایی رو جدی رو بگیری چون با نمره‌ی خوب این امتحانات کار کنکور رو خیلی آسون میکنی یه حرف دلی هم دارم با بچه‌هایی که کمی دیرتر شروع کردن ... مبادا خودت رو ببازی بچه‌ی من امید دارم بهت و میدونم اگه خوب بخونی قطعا میتونی نمره‌ی عالی بگیری پس پرقدرت بریم واسه ترکوندن اولین امتحان 🍷 یادت نره این فایل رو برای اون دوستت که بهش احتیاج داره بفرستی و جزئی از این زنجیره‌ی عشق و مهربونی باشی 🍷

پ:ن: مرسی که با وجود درگیری‌های ذهنی و عدم تمرکزی که ماجرای کارت ورود به جلسه براتون به همراه داشت ، همچنان قوی موندی و ادامه میدی 🍷 به امید روزی که اینجا به عنوان همکار کنار خانواده‌ی بزرگ نوتروفیل باشی



دوست همیشگی تو ، نوتروفیل



روش مطالعه :

اول از همه بریم سراغ قلمرو زبانی . برای این قسمت باید معنی واژگان و املا رو کامل بلد باشی و البته دستور . اگه برای دستور ضعف داری میتونی از کلاس یا درسنامه کمک بگیری .

قسمت بعدی قلمرو ادبیه که شامل شعر حفظی، تاریخ ادبیات و آرایه هاست. آرایه رو هم مثل دستور اگه ضعف داری کلاس ببین یا درسنامه بخون . و اما قسمت آخر قلمرو فکری. توی این قسمت باید بلد باشین نثر و شعر رو به صورت فارسی روان معنی کنین و همینطور مفهوم هر خط از کتاب رو بلد باشین .

ادبیات خیلی ضریبش بالاست حسابی جدی بگیرینش و از نمونه سوال خفنی هم که براتون گذاشتیم استفاده کنین .



بارم بندی ادبیات دوازدهم

نمره	موضوع ها	قلمروها
۱	معنی واژه	زبانی نمره ۷
۲	املا	
۴	دستور	
۳	آرایه های ادبی	ادبی نمره ۵
۱	تاریخ ادبیات	
۱	حفظ شعر	
۴	درک مطلب	فکری نمره ۸
۲	معنی و مفهوم نثر	
۲	معنی و مفهوم نظم	





ادبیات دوازدهم

۱ در بیت زیر برای واژه "والی" یک برابر معنایی بیابید.
شفیع مطاع نبی کریم قسیم جسیم نسیم وسیم

۲ در عبارت زیر، واژه ((مکاشفت)) در اصطلاح ((عرفانی)) به چه معناست؟
(یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.)

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۳ هر نفسی که فرومی‌رود، ممد حیات است.

۴ قسیم جسیم نسیم وسیم.

۵ همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم.

۶ تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

۷ در متن زیر واژگان با املای نادرست را بیابید و شکل درست آن را بنویسید.

عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که ما عبدناک حق عبادتک و واصفان هلیه جمالش به تحیر منصوب که ما عرفناک حق معرفتک.

۸ تفاوت معنایی فعل "گرفت" را در مصراع‌های زیر، بررسی کنید.

(الف) ز کردار بد پوزش اندر گرفت

(ب) محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت

۹ در عبارت "چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت":

الف جمله "پایه" یا "هسته" را مشخص کنید.

ب نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را به ترتیب، بنویسید.

در هریک از ابیات زیر، نوع حذف فعل (قرینه لفظی / معنایی) را مشخص کنید.

۱۰ کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار

۱۱ در عبارت زیر، واژگان "سجع" را بنویسید.

"عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته."

۱۲ کدامیک از واژگان مشخص شده در عبارت زیر، "مشبّهه" است؟

"فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترند و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد."

الف) بین واژه‌های "پروانه و مرغ سحر" چه آرایه‌ای برقرار است؟
 ب) هرکدام از واژه‌های یادشده (پروانه و مرغ سحر) نماد چه کسانی هستند؟
 "ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز
 کان سوخته را جان شد و آواز نیامد"

معنی و مفهوم عبارتهای زیر را به نثر روان بنویسید.

عاکفانِ کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ.

یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فروبرده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شد.

عبارت ((پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد)) بیانگر کدام صفت خداوند است؟

"دست انابت به امید اجابت به درگاه حق - جلّ و علا - برداشتن" و بیت زیر، بر کدام مفهوم مشترک تأکید دارند؟
 "بنده همان به که ز تقصیر خویش
 عُذْر به درگاه خدای آورد"

در نوشته زیر، منظور از "به طریق انبساط"، چیست؟

"یکی از یاران به طریق انبساط گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟"

در نوشته "پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفۀ روزی به خطای مُنْكَر نُبْرَد"، سعدی بر دو صفت الهی تأکید کرده است؛ آن دو را بنویسید.

مفهوم کلی مصراع دوم بیت زیر با کدام گزینه مناسبت دارد؟

"هیچ نقّاشت نمی‌بیند که نقشی برکند
 و آنکه دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای"
 الف) ما عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ.
 ب) ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ.

مصراع "چه غم دیوار ائت را که دارد چون تو پشتیبان؟" چه مفهومی دارد؟

فعل‌های مشخص‌شده را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید.

گفت: "نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم" گفت: "والی از کجا در خانهٔ خَمّار نیست؟"
 حافظ

زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست در حق ما هرچه گوید جای هیچ اکراه نیست
 حافظ

ریشه‌های ما به آب / شاخه‌های ما به آفتاب می‌رسد / ما دوباره سبز می‌شویم.
 قیصر امین پور

معنای واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

گر بدین حال تو را محتسب اندر بازار ببیند بگیرد و حد زند.
 خواجه نظام‌الملک توسی

۲۶ از بهر تو صدبار ملامت بکشم گر بشکنم این عهد، غرامت بکشم
مولوی

۲۷ در بیت زیر، واژگانی را که در زبان فارسی "هماآوا" دارند، مشخص کنید.
"از بهر تو صدبار ملامت بکشم گر بشکنم این عهد غرامت بکشم"

در عبارتهای زیر املای واژگان نادرست را به شکل درست بنویسید.

۲۸ جو عاجز گشت خسرو از جوابش نیامد بیش پرسیدن ثوابش

۲۹ در کدام گزینه غلط املایی به کار رفته است؟ آن را بیابید و اصلاح کنید.
الف- گفت از بهر غرامت جامه ات بیرون کنم
ب- گفت تا داروقه را گوئیم در مسجد بخواب

۳۰ در بیت زیر، چند "مفعول" وجود دارد؟
"بگفت: آنجا به صنعت در چه کوشند؟ بگفت: انده خرد و جان فروشند"

۳۱ باتوجه به بیت‌های زیر، درستی یا نادرستی موارد داده‌شده را تعیین کنید.
"گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست؟"
"گفت: تا داروغه را گوئیم در مسجد بخواب گفت: مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست"

الف در بیت اول، فعل "شویم"، اسنادی و فعل "نیست"، غیراسنادی است.
درست نادرست

ب در بیت دوم، "خوابگاه مردم"، یک ترکیب اضافی و "مردم بدکار" یک ترکیب وصفی است.
درست نادرست

۳۲ غزل اجتماعی از چه زمانی در ایران رواج یافت؟

۳۳ باتوجه به مصراع‌های داده‌شده، ابیات زیر را کامل کنید.
(۱) زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی
(۲) تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
(۳) هان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی

الف در مکتب حقایق پیش ادیب عشق

ب وجه خدا اگر شودت منظر نظر

۳۴ بیت آغازین شعر "صبح ستاره‌باران" اثر شفیعی کدکنی و بیت پایانی "مکتب حقایق" اثر حافظ را بنویسید.
الف) ای مهربان‌تر /
ب) گر در سرت /

۳۵ مفهوم بیت زیر چه چیزی را نفی می‌کند؟
"دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم"

مفهوم مشترک هر یک از گروه بیت‌های زیر را بیان کنید.

۳۶

بیت‌های سوم و پنجم:

گفت: "می‌باید تو را تا خانه قاضی برم" گفت: "رو صبح آی قاضی نیمه‌شب بیدار نیست"
گفت: "تا داروغه را گوییم در مسجد بخواب" گفت: "مسجد خوابگاه مردم بیکار نیست"

۳۷

بیت‌های ششم و نهم:

یک‌دم غریق بحر خدا شو گمان مبر کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی
بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی

۳۸

در بیت زیر، شاعر به کدام پدیده اجتماعی اشاره دارد؟

"گفت دیناری بده پنهان و خود را وارهان" گفت کار شرع کار درهم و دینار نیست"

۳۹

مفهوم کلی مصراع دوم بیت زیر را بنویسید.

"گفت: می بسیار خوردی، زان چنین بی‌خود شدی" گفت: ای بیهوده‌گو، حرف کم و بسیار نیست"

۴۰

واژه "همت" در هریک از ابیات زیر به چه معنا است؟

الف) "همت" اگر سلسله‌جنبان شود مور تواند که سلیمان شود
ب) "همت" از باد سحر می‌طلبم گر ببرد خبر از من به رفیقی که به‌طرف چمن است

معنی واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

۴۱

همت اگر سلسله‌جنبان شود

۴۲

مسلك مرغ گرفتار قفس همچو من است

۴۳

خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد

۴۴

ملت امروز یقین کرد که او اهرمین است

۴۵

ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است

۴۶

نشان یوسف دل از چه زنخدانش

املائی صحیح واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید و در جای خالی بنویسید.

۴۷

باآنکه جیب و جام من از مال و می تهی است

ما را (فراغتی - فراقتی) است که جمشید جم نداشت

۴۸

همت بدرقه راه کن ای (تایر - طایر) قدس

که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

۴۹

در بیت زیر یک حذف بیابید و نوع حذف را مشخص کنید.

فکری ای هم‌وطنان در ره آزادی خویش بنمایید که هرکس نکند، مثل من است.

۵۰

در ابیات زیر کدامیک از ارکان جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

الف) جامه‌ای کاو نشود غرقه‌به‌خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

ب) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الحزن است

۵۱

در بیت زیر، "نهاد" و "مسند" را مشخص کنید.

"در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هرکس که فکر جامعه را محترم نداشت"

۵۲

کدام بیت در بردارنده نام یکی از سراینندگان "غزل اجتماعی" در عصر مشروطه است؟

الف) پروین، شراب معرفت از جام علم نوش ترسم که دیر گردد و خالی کنند جام
 ب) پیش از آنی که زند سبزه سر از خاکش کاش دل عارف هوس سبزه و صحرا می کرد

۵۳

کدامیک از ابیات زیر را میتوان بی‌تی از یک "غزل اجتماعی" دانست؟

الف) فکری ای هموطنان در راه آزادی خویش بنمایید که هرکس نکند مثل من است
 ب) آیین طریق از نفس پیر مغان یافت آن خضر که فرخنده‌پیش نام نهادند

۵۴

شاعر، در بیت زیر، با بیان کدام واژه، مفهومی غیرحقیقی (مجاز) اراده کرده است؟

"در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هرکس که فکر جامعه را محترم نداشت"

۵۵

تلمیح به کاررفته در بیت زیر را در یک سطر توضیح دهید.

"با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت"

۵۶

به غزل‌هایی که محتوای آن‌ها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است، می‌گویند.

۵۷

بیت "نشاط غربت از دل کی بَرَد حُبّ وطن بیرون؟

به تخت مصرم اما جای در بیت‌الْحَزَن دارم" به کدام داستان اشاره دارد؟

۵۸

شاعر در بیت زیر، به بیدادگری کدام پادشاه اشاره دارد؟

"آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم ملّت امروز یقین کرد که او اهرمن است"

۵۹

شاعر در بیت "در دفتر زمانه فتد نامش از قلم

هر ملّتی که مردم صاحب‌قلم نداشت"، ادامه حیات ملّت‌ها را درگرو چه

موضوعی می‌داند؟

۶۰

سروده زیر را میتوان نمایانگر کدام صفت برجسته گوینده آن دانست؟

"با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی‌ست ما را فراغتیست که جمشید جم نداشت"

۶۱

هریک از ابیات زیر، بر چه مفهومی تأکید دارد؟

الف) جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بَدَر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است
 ب) کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند کی بود؟ و کجا بود؟ و کی‌اش نام نهادند؟

۶۲

باتوجه به بیت "در پیشگاه اهل خرد نیست محترم

هرکس که فکر جامعه را محترم نداشت"، در نظر خردمندان چه کسی

محترم است؟

۶۳

کدامیک از واژه‌های بیت زیر، مترادف واژه "سریر" است؟

"بدو گفت: بی‌تو نخواهم زمان نه اورنگ و تاج و نه گرز و کمان"

۶۴

در ابیات زیر، برای هر یک از واژه‌های "الف" و "ب" یک معادل معنایی بیابید و بنویسید.

- سریر ملک، عطا داد کردگار تو را به جای خویش دهد هرچه کردگار دهد
 - عاشق آن باشد که چون آتش بود گرمرو، سوزنده و سرکش بود
 الف) مشتاق: ب) اورند:

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۶۵

من از بهر این فرّ و اورند تو

بجویم همی رای و پیوند تو

۶۶ تاج شاهان ز سر به زیر نهند در میان دو شرزه شیر نهند

۶۷ معادل معنایی هریک از واژه‌های مشخص شده را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف برکش ز سر این سپید معجر (آتشدان / سرپوش)

ب چون گشت زمین ز جور گردون سرد و سیه و خموش و آوند (منجمد / آویخته)

در گروه کلمات زیر چند غلط املائی به کار رفته است، شکل درست آن‌ها را بنویسید.

۶۸ "سلانه سلانه - سریر و تخت - سطوران بارکش - گرز و شرزه - معطل و بلاتکلیف - مرحم و ضماد - ارقند و قهرآلود - علف و خار - عن قریب و بهزودی - دل زدن - بهت و حیرت"

۶۹ باتوجه به بیت‌های زیر، به پرسش‌های داده شده، پاسخ دهید.

"تو قلب فسرده زمینی از درد ورم نموده یک‌چند

بفکن ز پی این اساس تزویر بگسل ز پی این نژاد و پیوند"

الف نوع کدامیک از ترکیب‌های "قلب فسرده" و "قلب زمین"، اضافی است؟

ب یک ترکیب وصفی در بیت دوم بیابید و بنویسید.

۷۰ در بیت زیر، ترکیب‌های اضافی را پیدا کنید و بنویسید.

"زین بی‌خردان سفله بستان داد دل مردم خردمند"

۷۱ نقش ضمیر پیوسته را در بیت زیر بنویسید.

"تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر چهر دل‌بند"

۷۲ بیت زیر به شیوه بلاغی سروده شده است؛ آن را به یک جمله عادی برگردانید.

"چون گشت زمین ز جور گردون سرد و سیه و خموش و آوند"

۷۳ باتوجه به بیت‌های زیر، درستی یا نادرستی هریک از موارد داده شده را تعیین کنید.

"تو مشتی درشت روزگاری از گردش قرن‌ها پس افکند

زین بی‌خردان سفله بستان داد دل مردم خردمند"

الف در گروه اسمی "مشت درشت روزگار"، واژه "مشت"، هسته است.

ب ترکیب "مردم خردمند"، وصفی و ترکیب "بی‌خردان سفله"، اضافی است.

۷۴ شعر "دماوندیه" در قالب توسط سروده شده است.

۷۵ نام آفرینندگان آثاری را که نویسنده آن‌ها نادرست ذکر شده، بنویسید.

"بخارای من، ایل من: محمد بهمین بیگی / تذکره‌الاولیا: عطار / تمهیدات: شهاب‌الدین سهروردی / قصه شیرین فرهاد: نظامی"

۷۶ باتوجه به ابیات:

"تا وارهی از دم ستوران وین مردم نحس دیو مانند،

با شیر سپهر بسته پیمان با اختر سعد کرده پیوند"

الف "شیر سپهر" استعاره از چیست؟

ب مفهوم کلی دو بیت، خلق کدام آرایه را به یاد می‌آورد؟

در تشبیه موجود در بیت زیر، "مشبّه" کدام است؟
 "برکن ز بُن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم برکند"

در هریک از بیت‌های ردیف اول کدام‌یک از آرایه‌های ردیف دوم به کار رفته است؟

ردیف اول	ردیف دوم
۱ بیامد دو صد مرد آتش فروز دمیدند گفتی شب آمد به روز	حسن تعلیل
۲ آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم اهرمن است	تلمیح
۳ تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر چهر دلبند	اغراق

باتوجه به ابیات "تا واره‌ی از دم ستوران وین مردم نحس دیومانند،
 با شیر سپهر بسته پیمان با اختر سعد کرده پیوند"،

مفهوم کلی دو بیت، خلق کدام آرایه را به یاد می‌آورد؟

هریک از ابیات گروه "الف" با کدام آرایه گروه "ب" ارتباط دارد؟ (در گروه "ب" یک مورد اضافه است)

الف	ب
الف) تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر چهر دلبند	تلمیح
ب) مُستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد غنچه خاموش، بلبل را به گفتار آورد	اسلوب معادله
ج) باآنکه جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت	حُسن تعلیل تضمین

در بیت "پنهان مکن آتش درون را زین سوخته جان شنو یکی پند" مقصود شاعر را از "آتش درون" و "سوخته جان" بنویسید.

در بیت زیر، مقصود شاعر از "مادر سرسپید" و "سیاه بخت فرزند" چیست؟

"ای مادر سرسپید، بشنو این پند سیاه بخت فرزند"

مفهوم مشترک بیت‌های زیر را بنویسید.

الف) شو منفجر ای دل زمانه وان آتش خود نهفته مپسند

ب) دلا خموشی چرا؟ چو خُم نجوشی چرا؟ برون شد از پرده راز، تو پرده پوشی چرا؟

معنی و مفهوم را به نثر روان بنویسید.

برکش ز سر این سپیدمعجر بنشین به یکی کبوداورند

از سیم به سر یکی کله خود ز آهن به میان یکی کمر بند

بگرای چو ازدهای گرزه بخروش چو شرزه شیر ارغند

معادل معنایی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۸۷ دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را

۸۸ غنچه خاموش بلبل را به گفتار آورد.

۸۹ باتوجه به دو بیت زیر از مولوی، آیا می‌توان "دیر شدن روز" و "بیگانه شدن" را معادل معنایی یکدیگر دانست؟ دلیل خود را بنویسید.

- مکر او معکوس و او سرزیر شد روزگارش برد و روزش دیر شد
- بیگانه شد بیگانه شد، خورشید اندر چاه شد خورشید جان عاشقان در خلوت الله شد

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۹۰ هرکسی از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من

۹۱ کز نیستان تا مرا بریده‌اند از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند

۹۲ همچو نی زهری و تریاقی که دید؟ همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟

۹۳ سینه خواهم شرحه شرحه از فراق

۹۴ تن ز جان و جان ز تن مستور نیست

۹۵ هرکه بی‌روزی است روزش دیر شد

۹۶ همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟

۹۷ در گروه کلمه‌های زیر، دو مورد نادرستی املایی وجود دارد؛ شکل درست هریک را بنویسید.

"استیصال و درماندگی - سوءهاضمه - مسطور و پوشیده - اجین و آمیخته - مأوا و پناهگاه"

۹۸ در متن "چون حق تعالی بنده‌ای را گزید و مستغرق خود گردانید، هرکه دامن او را بگیرد و از او حاجت طلبد، بی‌آنکه آن بزرگ یاد کند و عرضه دهد، حق آن را برآرد.":

الف) فعل "بگیرد" ماضی التزامی است یا مضارع التزامی؟

ب) نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را، به ترتیب، بنویسید.

۹۹ در بیت "محرم این هوش جز بیهوش نیست مر زبان را مشتری جز گوش نیست":

الف) وابسته و وابسته را مشخص کنید.

ب) نوع وابسته و وابسته را بنویسید.

۱۰۰ نقش دستوری هریک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

"کز نیستان تا مرا بریده‌اند در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند"

۱۰۱ در بیت‌های زیر، تفاوت معنایی واژه "دستور" را بررسی کنید.

الف) چه نیکو گفت با جمشید دستور که با نادان نه شیون باد و نه سور

ب) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست لیک کس را دید جان دستور نیست

۱۰۲

آرایهٔ مشترک ابیات زیر اسلوب معادله است یا حسن تعلیل؟ یک دلیل بنویسید.

- عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را
- محرم این هوش جز بی‌هوش نیست
- دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را
مر زبان را مشتری جز گوش نیست

۱۰۳

مفهوم نمادین واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف

آنجا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد

ب

بشنو این نی چون شکایت می‌کند

۱۰۴

در بیت زیر، آرایهٔ درست را از کمانک مقابل آن، انتخاب کنید.

"آتش عشق است کاندَر نی فتاد جوشش عشق است کاندَر می فتاد" (تشبیه / جناس همسان)

۱۰۵

هریک از آرایه‌های "تلمیح، مجاز و اسلوب معادله" در کدام بیت، دیده می‌شود؟

- (۱) از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید
- (۲) عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را سیل، یکسان می‌کند پست و بلند راه را
- (۳) آتش ابراهیم را نبود زبان هرکه نمرودی است، گو می‌ترس از آن

۱۰۶

بیت های زیر را از نظر کاربرد آرایهٔ جناس همسان (تام) بررسی کنید.

- الف) آتش است این بانگ نای و نیست باد هرکه این آتش ندارد نیست باد
- ب) نی، حریف هرکه از یاری بُرید پرده هایش پرده های ما درید

۱۰۷

شاعر در بیت زیر، شنونده را برای بهره بردن از سخنان گوینده، به چه چیزی فرا خوانده است؟

"مستمع صاحب‌سخن را بر سر کار آوَرَد غنچهٔ خاموش بلبل را به گفتار آوَرَد"

۱۰۸

مولانا در بیت زیر، چه کسانی را سزاوار همراهی "عارف" دانسته است؟

"نی حریف هرکه از یاری برید پرده‌هایش پرده‌های ما درید"

۱۰۹

مفهوم کدام بیت متناسب آیهٔ {کل شیء یرجع الی اصله} است؟

- الف) هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش بازجوید روزگار وصل خویش
- ب) بی‌عشق زیستن را جز نیستی چه نام است؟ یعنی اگر نباشی کار دلم تمام است

۱۱۰

در بیت زیر منظور از "خوشحالان" و "بدحالان" چیست؟

"من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوش حالان شدم"

معنی و مفهوم را به نثر روان بنویسید.

۱۱۱

هرکسی از ظنّ خود شد یار من

از درون من نجست اسرار من

۱۱۲

در غم ما روزها بیگانه شد

روزها با سوزها همراه شد

۱۱۳

هرکه جز ماهی، ز آبش سیر شد

هرکه بی‌روزی است، روزش دیر شد

۱۱۴

معادل معنایی "شیدایی" در کدام بیت آمده است؟ کلمهٔ موردنظر را پیدا کنید.

- الف) در ره منزل لیلی که خطرهاست در آن شرط اوّل قدم آن است که مجنون باشی
- ب) گر تو شیرین زمانی نظری نیز به من کن که به دیوانگی از عشق تو فرهاد زمانم



معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۱۱۵ ای عزیز به خدا رسیدن فرض است.

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۱۱۶ محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند.

۱۱۷ پروانه قوت از عشق آتش خورد.

در گروه کلمات زیر چند غلط املایی به کار رفته است، شکل درست آن‌ها را بنویسید.

۱۱۸ "طالب و مطلوب - مأوا کردن در جایی - قایت محبت - ازبهر این معنی - حیات و ممات - دیوانه‌گی عشق - قضات شهر - ناگزیر و لابد - لایق صحبت - حریم حُسن"

۱۱۹ نقش دستوری کدام یک از واژگان مشخص شده با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

الف) عشق از بهر این معنی فرض راه آمد.

ب) آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان، آتش بیند.

پ) در عالم پیر هر کجا برنایی است.

۱۲۰ در عبارت زیر، نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

"آنگاه که آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان، آتش بیند."

۱۲۱ نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را در جمله زیر، بنویسید.

"او بنده خود را عاشق خود کند، آنگاه بر بنده عاشق باشد و بنده را گوید: تو عاشق و محب مایی."

۱۲۲ در همه گزینه‌ها به جز جمله‌های با الگوی "نهاد + مفعول + مسند + فعل" دیده میشود.

۱) محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند.

۲) به عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.

۳) همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود میگرداند.

۴) آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان، آتش بیند.

۱۲۳ هریک از الگوهای زیر، با کدام جمله در ردیف مقابل مطابقت دارد؟ (یک جمله اضافی است)

الف	نهاد + مسند + فعل	۱	برخی عاشق را دیوانه می‌پندارند.
ب	نهاد + مفعول + مسند + فعل	۲	مردم به او دهقان فداکار می‌گفتند.
		۳	عاشقان کشتگان معشوق‌اند

۱۲۴ در نوشتهٔ زیر، نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را تعیین کنید.

"پروانه قوت از عشق آتش خورد و همهٔ جهان، آتش بیند."

۱۲۵ در نوشتهٔ "بدان که از جملهٔ نام‌های حُسن یکی "جمال" است و یکی "کمال"؛ و هرچه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال‌اند؛ و

هیچ‌کس نبینی که او را به جمال میلی نباشد".

(الف) یک مورد حذف فعل بیابید و بنویسید.

(ب) مرجع ضمیر "او" را تعیین کنید.

۱۲۶ در جدول زیر، مشخص کنید که هریک از آثار گروه "الف" متعلق به کدام نویسنده در گروه "ب" است.

گروه "الف"	گروه "ب" (یک مورد اضافه است)
قصهٔ شیرین فرهاد / تمهیدات	احمد عربلو / نصرالله منشی / عین‌القضات همدانی

نام پدیدآورندگان هریک از آثار زیر را بنویسید.

۱۲۷ فی حقیقة‌العشق:

۱۲۸ تمهیدات:

۱۲۹ هریک از آرایه‌های "اسلوب معادله، حس آمیزی، حسن تعلیل و تضاد" در کدام مورد، دیده می‌شود؟

(۱) در عالم پیر هرکجا برنایی است عاشق بادا که عشق خوش سودایی است

(۲) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست مر زبان را مشتری جز گوش نیست

(۳) تا چشم بشر نبیند روی بنهفته به ابر چهر دل‌بند

(۴) زمزمهٔ لطیف و ملایم شما گمان مرا تأیید کرد. می‌بایست هرچه زودتر مخفیگاهی پیدا کنم.

۱۳۰ در عبارت "بدان که از جملهٔ نام‌های حُسن یکی جمال است و یکی کمال." کدام واژه‌ها "سجع" دارند؟

۱۳۱ مفهوم نمادین "پروانه" را در عبارت زیر بیان کنید.

"ای عزیز، پروانه قوت از عشق آتش خورد، بی آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد."

۱۳۲ مصراع "لبخند گاه‌گاهت، صبح ستاره‌باران" را کدام مصراع کامل می‌کند؟

(الف) ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران

(ب) آیینة نگاهت، پیوند صبح و ساحل

۱۳۳ مفهوم مشترک بیت و عبارت زیر را بنویسید:

"بی‌عشق زیستن را جز نیستی، چه نام است؟ / یعنی اگر نباشی، کار دلم تمام است"

"حیات از عشق می‌شناس و ممات بی‌عشق می‌یاب"

۱۳۴ باتوجه‌به عبارت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

"محبت چون به‌غایت رسد، آن را عشق خوانند. عشق خاص‌تر از محبت است و محبت خاص‌تر از معرفت است. به عالم عشق نتوان

رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایهٔ نردبان نسازد."

الف سهروردی، شرط دستیابی به عالم عشق را چه می‌داند؟

ب از نظر نویسنده، نهایت محبت چه نام دارد؟

باتوجه به متن زیر، چرا عین القضات همدانی، عشق‌ورزی را در عرفان واجب دانسته است؟
 "ای عزیز، به خدا رسیدن فرض است و لابد هرچه به واسطه آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان. عشق، بنده را به خدا برساند؛ پس عشق از بهر این معنی، فرض راه آمد."

ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.

در عشق قدم نهادن کسی را مسلّم شود که با خود نباشد.

دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها افزون آید.

بیت‌های داده‌شده در هر ردیف جدول زیر، یک مفهوم مشترک دارند؛ آن مفهوم را از ستون مقابل انتخاب کنید.

مفاهیم	بیت‌ها
الف) پرهیز از ریاکاری و دورویی ب) نصیحت‌ناپذیری حاکمان نالایق	۱- * گفت نزدیک است والی را سرای آنجا شویم گفت والی از کجا در خانه خمار نیست * دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگو من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم
الف) فردپذیر بودن عشق و رد دوگانگی ب) ترک دلبستگی‌ها در راه عشق	۲- * من که هرآنچه داشتم اول ره گذاشتم حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو * در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست با جان بودن در عشق به سامان نیست

معنی و مفهوم را به نثر روان بنویسید.

در عشق قدم نهادن کسی را مسلّم شود که با خود نباشد.

واژه "طاق" در جمله "دیوارهای کهن روم که هنوز طاق ضربی دروازه‌های آن باقی است"، با همین واژه در کدام مصراع هم‌معنی است؟
 الف) طاق‌پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف
 ب) چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است

در بیت زیر، کدام واژه متضاد واژه "شاد" است؟
 "چو بشنید خسرو، از آن شاد گشت
 روانش ز اندیشه آزاد گشت"

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

پیرمرد از داخل کازیه روی میز یک پاکت کهنه را برداشت.

آدمی به هرجا می‌رود، گمان می‌کند به غایت‌القُصَوی مقصود خود رسیده است.

جزیره‌های کوچک و بزرگ، مثل وصله‌های رنگارنگ بر طیلسان آبی مدیترانه دوخته شده بود.

۱۴۵ اما چه استبعادی دارد که عمری باشد و روزی خاطراتی از سفر ماه هم بنویسم.

۱۴۶ در عبارتهای زیر املای دو واژه، نادرست است. درست هریک را بنویسید.

الف) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق

ب) پیرمرد از داخل کازیه روی میز یک پاکت کهنه را برداشت.

ج) ناله مرغ اسیر این همه بحر وطن است.

د) همچنان که می توانست او، اگر می خواست / کان کمند شست خم خویش بگشاید

۱۴۷ در هریک از موارد زیر، املای واژههای نادرست است؛ شکل درست آن را بنویسید.

الف) هنگام چریق آفتاب کنار قنات حسنی در شهر سیرجان اتراق می کردیم.

ب) صدای مهیب آن، صدای کودکانه اما خشک کلاش را در خود حزم می کرد.

در گروه کلمات زیر چند غلط املایی به کار رفته است، شکل درست آنها را بنویسید.

۱۴۸ مار قاشیه - وصله های رنگارنگ - چریق آفتاب - دولت مستعجل - سوءهاضمه - تاق ضربی - اعتصاب کارگران - خضر فرخنده پی

- جنگ عظیم ناپلئون - محوطه میدان - نمت و طریقه - توپ و طاقه - قریب شش ماه

۱۴۹ نقش دستوری هر یک از واژه های مشخص شده را بنویسید.

"هر کسی از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من"

۱۵۰ در عبارت "بعد از خواندن این مطلب، متوجه شدم که دنیا عجیب فراموش کار است! بیست سی سال پیش چه کارها کرده!":

الف) نوع وابسته و وابسته را بنویسید.

ب) نمودار گروه اسمی را که در آن وابسته وابسته آمده، رسم کنید.

۱۵۱ یک وابسته و وابسته را در جمله زیر پیدا کنید، نوع آن را بنویسید.

((بوی نان های تنوری و دود خارهای معطر هوای ده را پر کرده بود.))

۱۵۲ نمودار گروه اسمی "دو تخته فرش" را رسم کنید و نوع وابسته و وابسته را در آن تعیین نمایید.

۱۵۳ باتوجه به بیت زیر، به پرسش ها پاسخ دهید.

"خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان این ملک که بغداد و ری اش نام نهادند"

الف) نقش دستوری واژه "بغداد" چیست؟

ب) یک ترکیب اضافی در بیت بیابید و بنویسید.

ج) یک پیوند وابسته ساز در بیت بیابید و بنویسید.

۱۵۴ در جمله مرکب زیر، جمله هسته (پایه) و جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید.

"من بعد از خواندن این مطلب متوجه شدم که دنیا عجیب فراموش کار است."

۱۵۵ در نمونه های زیر، نوع وابسته و وابسته مشخص شده را بنویسید.

الف) برنامه کدام سفر؟

ب) دوست بسیار مهربان

۱۵۶ در نوشته "رم، پایتخت ایتالیا، شهری است قدیمی با دیوارهای قطور و باروهای دودخورده"،

الف) کدام واژه، نقش تبعی "معطوف" دارد؟

ب) گروه اسمی مشخص شده، دارای کدام نقش دستوری است؟

۱۵۷

باتوجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

"صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب
تا شد تهی از خویش و نیش نام نهادند"
الف) بیت را از شیوه "بلاغی" به شیوه "عادی" برگردانید.
ب) "واو" ربط (پیوند) در کدام مصراع این بیت به کار رفته است؟

۱۵۸

باتوجه به گروه‌های اسمی زیر، جدول را کامل کنید.

الف) برجسته‌ترین شاگرد حوزه ادبیات

ب) قلب آن کویر

مضاف‌الیه	مضاف‌الیه
صفت مضاف‌الیه	صفت مضاف‌الیه

۱۵۹

در نوشته زیر، یک "نقش تبعی" با ذکر "نوع" آن مشخص کنید.

"رم، پایتخت ایتالیا، شهری است قدیمی. دیوارهای قطور و باروهای دودخورده آن به زبان حال بازگو می‌کند که..."

نام پدیدآورندگان هریک از آثار زیر را بنویسید.

۱۶۰

تذکره‌الاولیا:

۱۶۱

از پاریز تا پاریس:

۱۶۲

عبارت زیر، یادآور کدام مثل است؟

از بیم عقرب جزیره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد.

۱۶۳

مقصود نویسنده از عبارت "نخستین روزی که از پاریز خارج شدم، سیرجان را آخر دنیا حساب می‌کردم و امسال که به اروپا رفتم، گمانم این است که عالمی را دیده‌ام اما چه استبعادی دارد که عمری باشد و روزی خاطراتی از سفر ماه هم بنویسم!" چیست؟

۱۶۴

در جدول زیر، هر یک از ابیات با کدامیک از مفاهیم مقابل خود، تناسب معنایی دارد؟

الف) گریز از کفش در دهان نهنگ / که مردن به از زندگانی به ننگ	۱- تحمل‌ناپذیر بودن زندگی با ننگ ۲- فرار کردن از دشواری‌های زندگی
ب) کاووس کیانی که کیش نام نهادند / کی بود؟ کجا بود؟ کیش نام نهادند	۱- استبداد حکومت‌ها و قدرت‌ها ۲- ناپایداری حکومت‌ها و قدرت‌ها

۱۶۵

"ضرورت توسل به مرشد و مراد" از مفهوم کدام بیت برمی‌آید؟

الف) در عالم پیر، هرکجا برنایی است عاشق بادا که عشق خوش سودایی است
ب) آیین طریق از نفس پیر مغان یافت آن خضر که فرخنده پشاش نام نهادند

۱۶۶

مراد از "سر پر زدن" در عبارت "به قول بیرجندیها در این دو شهر، تنها، یک سرپری زدیم" چیست؟

مفهوم کلی	بیت
	صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نی اش نام نهادند
	آیین طریق از نَفَس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده پی اش نام نهادند

۱۶۸ بیت "راستی خاتم فیروزه بواسحاقی خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود"، چه مفهوم مشترکی با نوشته زیر دارد؟
"آخرین چراغ امپراتوری روم را موسولینی روشن کرد که چند صباحی تا حبشه و قلب آفریقا نیز پیش راند اما همه می‌دانیم که دولت مستعجل بود."

۱۶۹ هریک از بیت‌های ستون اول با کدام مفهوم در ستون دوم متناسب است؟ (یک مفهوم اضافی است)

ستون اول (بیت‌ها)	ستون دوم (مفاهیم)
۱ از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید	ناپایداری قدرت
۲ من که هرآنچه داشتم اول ره گذاشتم حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو	دشواری راه عشق
۳ خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد زاشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الحرزن است	بیگانه‌ستیزی
۴ کاووس کیانی که کی اش نام نهادند کی بود و کجا بود و کی اش نام نهادند	ازجان‌گذشتگی عاشق
	ناتوانی در سپاسگزاری از خداوند

۱۷۰ نوشته "از بیم عقرب جزارهٔ دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیهٔ حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد"، کدامیک از ضرب‌المثل‌های زیر را به یاد می‌آورد؟
الف) دست بالای دست بسیار است.
ب) از چاله به چاه افتاد.

۱۷۱ از بین واژه‌های زیر، یک برابر معنایی برای واژه‌های "آویزان" و "رنج" به ترتیب، بیابید.
"طاق، رواق، تعب، کاهلی، معلق، سروش، تجرید"

۱۷۲ برای واژه‌های "کتاب" و "تماشا" از میان واژه‌های زیر معادل معنایی بیابید.
فروغ، رواق، نظاره، پگاه، صحیفه، سروش

۱۷۳ در کدام بیت واژه‌ای با معنی "باد بسیار گرم و زیان‌رساننده" یافت می‌شود؟ واژه موردنظر را مشخص کنید.
الف) ز تندباد حوادث نمی‌توان دیدن
ب) از این سموم که بر طرف بوستان بگذشت
در این چمن که گلی بوده است یا سمنی
عجیب که بوی گلی هست و رنگ نسترنی

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۱۷۴ چشمه آب سردی که در تموز سوزان کویر از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید.

۱۷۵ در غرفه‌های مساجد یا مدرسه‌های مدرسه می‌نشستند.

۱۷۶ آسمان تفرجگاه مردم کویر است.

۱۷۷ از آن‌همه زیبایی‌ها و چهره‌های پر از ماورا محروم‌تر می‌شدم.

در هریک از موارد زیر املاي درست را از داخل کمانک برگزینید.

۱۷۸ در چهار سالگی پشت (غاش / قاش) زین نشستم.

۱۷۹ برجسته‌ترین شاگرد (حوزه / حوضه) ادیب بزرگ بود.

۱۸۰ در هریک از موارد زیر، املاي یک واژه نادرست است؛ آن را بیاید و درست آن را بنویسید.
الف) پیرمرد از داخل کاذبه روی میز، یک پاکت کهنه را برداشت و حواله مخارج قریب شش ماه من را نوشت.
ب) پس از عزیمت رضاشاه، همه تبعیدیها رها شدند و به ایل و اشیره بازگشتند.

۱۸۱ در گروه کلمات زیر، سه مورد نادرستی املايي وجود دارد؛ درست هریک را بنویسید.
"عملیات احداث، یقما و تاراج، چریغ آفتاب، جئه آدمی، صدای مهیب، آذرم و حیا، سطور و چهارپا، مسلک و روش"

۱۸۲ در کدامیک از عبارات زیر، واژه‌ای آمده که در زبان فارسی "هم‌آوا" دارد؟
الف) ما را از غربت زندان شهر، به میهن آزاد و دامن گسترمان، کویر، می‌برد.
ب) پس از پایان تحصیل فقه و فلسفه و به‌ویژه ادبیات، به مزینان بازگشت.

۱۸۳ نمودار پیکانی کدامیک از گروه‌های اسمی زیر، به‌درستی رسم شده است؟
الف)

ب)

رنگ سبز چمنی

شرایط تقریباً پایدار

۱۸۴ در جمله زیر، نوع "وابسته وابسته" را بنویسید و نمودار پیکانی آن را رسم کنید.
"نگاه‌های مردم آسفالت‌نشین، آن را کهکشان می‌بیند."

۱۸۵ نوع "حذف" را در هریک از عبارات زیر، مشخص نمایید.
الف) زندگی، سخت آلوده است و انسان ماندن، سخت دشوار.
ب) تو نیز تیرانا، گشاده‌دستی و کرامت را از درختان میوه‌دار بیاموز.

نوع هریک از وابسته‌های وابسته را در گروه‌های اسمی زیر، بنویسید.

۱۸۶ هوای نسبتاً پاک

باتوجه به نوشته زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

"برف کوه هنوز آب نشده است. گل و گیاه، پشم گوسفندان را رنگین کرده است. نامه برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با امیر سامانی."

الف

ساختار دستوری کدام جمله مطابق با الگوی "نهاد + مفعول + مسند + فعل" است؟

ب

نوع "واو"، بین واژه‌های "شعر و چنگ" ربط است یا عطف؟

پ

زمان فعل "نشده است"، ماضی نقلی است یا التزامی؟

ت

در این عبارت، حذف فعل به قرینه لفظی است یا معنوی؟

باتوجه به جمله "بوی شبدر دوچین، هوا را عطرآگین ساخته است"، به سؤالات پاسخ دهید.

الف) نقش دستوری واژه "عطرآگین" را بنویسید.

ب) کدام واژه "صفت مضاف‌الیه" است؟

در عبارت زیر، زمان فعل‌های مشخص شده را دقیقاً تعیین کنید.

"صدای بلدرچین یک‌دم قطع نمی‌شود. جوجه کبک‌ها، خط‌و‌خال انداخته‌اند."

((محمد بهمن‌بیگی)) در کتاب ((بخارای من، ایل من)) چه موضوعاتی را به نگارش درآورده است؟

کوپر سفرنامه است یا حسب حال چرا؟

در تشبیه مشخص شده عبارت زیر، "مشبه" کدام است؟

"آسمان کوپر، این نخلستان خاموش و پرمهتابی که هرگاه مشت خونین و بی‌تاب قلبم را در زیر باران‌های غیبی سکوتش می‌گیرم، ناله‌های آن روح دردمند را می‌شنوم."

باتوجه به نوشته زیر، در کدام‌یک از ترکیب‌های مشخص شده، آرایه استعاره وجود دارد؟

"آن شب نیز ماه با تلالؤ پرشکوهش از راه رسید و گل‌های الماس شکفتند."

عبارت "کلمات را کنار زنی و در زیر آن، روحی را که در این تلقی و تعبیر پنهان است، تماشا کنید"، بر چه مفهومی تأکید دارد؟

متن‌های زیر، بر چه مفهوم مشترکی تأکید دارند؟

- "در کف‌ها کاسه زیبایی، / بر لب‌ها تلخی دانایی / شهر تو جای دگر / ره می‌بر با پای دگر"

- "آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد."

متن‌های زیر چه مفهوم مشترکی دارند؟

- "من نمازم را وقتی می‌خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو"

- "صحرائی که حتی درختش، غارش، کوهش و سنگریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد."

از مقایسه سروده سهراب سپهری با نوشته زیر، چه مفهوم مشترکی دریافت می‌شود؟

- "من نمازم را وقتی می‌خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو / من نمازم را پی تکبیره الاحرام علف می‌خوانم /"

- "در کوپر خدا حضور دارد ... و حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد."

باتوجه به سروده "در کف‌ها کاسه زیبایی / بر لب‌ها تلخی دانایی / شهر تو در جای دگر / ره می‌بر با پای دگر" چرا شاعر دانایی را

نکوهش می‌کند؟

در نوشته زیر، مفهوم کنایی قسمت‌های مشخص شده را، به ترتیب، بنویسید.

"بعد از حکیم اسرار، همه چشم‌ها به او بود که حوزه حکمت را او گرم نگاه دارد."

۲۰۱ عبارت "نالهای گریه‌آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم، ناله‌های آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش، در کنار آن مدینه پلید و در قلب آن کویر بی‌فریاد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست." یادآور کدام موضوع مشهور است؟

۲۰۲ عبارت "شاهین تیزبال افق‌ها بودم. زنبور طفیلی شدم و به کنجی پناه بردم." یادآور کدام "ضرب‌المثل" فارسی است؟

۲۰۳ در بیت "غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران / صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو":

الف) کاربرد کدام نقش تبعی در مصراع دوم مشهود است؟

ب) مصراع نخست را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید.

۲۰۴ باتوجه به مصراع "امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو"، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

الف) نوع "واو"، حرف ربط است یا عطف؟

ب) نقش دستوری گروه اسمی "بوی بهار من و تو" چیست؟

۲۰۵ باتوجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

"آنجا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد / غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟"

الف) نوع "واو" در مصراع اول، حرف ربط است یا عطف؟

ب) در مصراع دوم، کدام واژه نقش "نهاد" دارد؟

۲۰۶ در جدول زیر، درست یا نادرست بودن هریک از موارد داده‌شده را تعیین کنید.

الف	درست	فعل "نیست"، در هر دو مصراع بیت زیر، اسنادی است. "سز من از ناله من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست"	نادرست
ب	درست	در بیت زیر واژه "برگ و بار" مفعول است. "دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو"	نادرست
ج	درست	در گروه اسمی "دوست بسیار مهربان"، واژه "بسیار" صفت صفت است.	نادرست

۲۰۷ نوع حرف "و" (ربط، عطف) را در هریک از مصراع‌های زیر مشخص کنید.

الف) امروز می‌آید از باغ بوی بهار من و تو

ب) دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ

نقش دستوری واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

۲۰۸ چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم

۲۰۹ دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو

۲۱۰ در بین آثار زیر، نام پدیدآورنده دو اثر در مقابل آن درست نوشته شده است؛ آن دو را مشخص کنید.

(فیه ما فیه: مولوی) - (منطق‌الطیر: سنایی غزنوی) - (قصه شیرین فرهاد: ابوالقاسم لاهوتی) - (تیرانا: محمدرضا رحمانی) - (دری

به خانه خورشید: احمد عربلو)

۲۱۱ مقصود نهایی شاعر، از بیت زیر چیست؟

"آنجا در آن برزخ سرد در کوچه‌های غم و درد / غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو"

۲۱۲ مقصود نهایی شاعر از مصراع دوم بیت زیر چیست؟

چون رود امیدوارم، بی تابم و بی قرارم / من می روم سوی دریا جای قرار من و تو

۲۱۳ در بیت زیر، منظور از "نسیم سحرخیز" و "باغ" چیست؟

"با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم / در باغ می ماند ای دوست، گل یادگار من و تو"

معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۲۱۴ آنجا در آن برزخ سرد، در کوچه های غم و درد / غیر از شب آیا چه می دید چشمان تار من و تو؟

معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.

۲۱۵ گر که این محضر برای داوری است / دید باید کاین چه ظلم و خودسری است

۲۱۶ ز خوشی ها چه شوی خوش که در این معبر / به یکی سور قرین است دو صد ماتم

۲۱۷ روز منحوس به دیدار تو فرخنده شود / خنک آن کس که تو را بیند هر روز پگاه

۲۱۸ پیداست رهایی من از ضعف وجودم / ره زود به سر می رسد آواز حزین را

۲۱۹ دو مورد نادرستی املائی را در گروه کلمات زیر بیابید و درست آن ها را بنویسید.

"بیت الاحزان - تزویر و دورنگی - شیر ارقند - تریاق و پادزهر - سختی و تعب - شبه و سایه"

۲۲۰ از میان واژگان زیر، املائی کدام واژه، به هردو شکل صحیح است؟

"اتراق / اطراق"، "جناق / جناغ"، "حتّاکي / هتّاکي"، "حمایل / همایل"

۲۲۱ در گروه کلمه های زیر، سه مورد نادرستی املائی وجود دارد؛ درست هریک را بنویسید.

"بائق و بلند - فخر و مباهات - بساط تحویه - روزه خوانی و نوحه سرایی - سورت سرمای دی - بی خردان سفله"

۲۲۲ در عبارت "عشقم به این بود که حرفتان را بشنوم. الان هم دوستتان دارم؛ بیشتر از همیشه.":

الف) جمله پیرو یا وابسته را مشخص کنید.

ب) نقش ضمیر متصل (پیوسته) را در جمله سوم بنویسید.

۲۲۳ باتوجه به عبارت "از ردّ صدای شما می بایست پیدایتان می کردم."

الف) نقش دستوری ضمیر پیوسته "تان"، متمم است یا مفعول؟

ب) مرجع ضمیر "تان"، "شما" است یا "صدا"؟

۲۲۴ باتوجه به نوشته زیر، به پرسش ها پاسخ دهید.

"همراهی با شما را دوست تر داشتم. بی آنکه بدانید تعقیبتان کردم و نفهمیدم چه قدر از سنگرها فاصله گرفته ایم."

الف) زمان کدام فعل ماضی نقلی است؟

ب) در واژه "تعقیبتان"، مرجع ضمیر پیوسته "تان" چیست؟

در نوشته "فکر کردم اگر پیش‌تر بروم، به حتم گم می‌شوم. بر تلّ خاکی نشستم. حتی اگر من صدایتان نمی‌کردم، متوجه حضور من نمی‌شدید."

الف) زمان کدام فعل "مضارع التزامی" است؟

ب) در واژه "صدایتان"، نقش دستوری ضمیر پیوسته "تان" چیست؟

باتوجه به نوشته زیر، درستی یا نادرستی موارد داده شده را تعیین کنید.

"عشق کردم از اینکه فهمیده‌اید، انهدام آن تیربار، کار من بوده است."

زمان هر دو فعل "فهمیده‌اید" و "بوده است"، ماضی نقلی است.

در گروه اسمی "انهدام آن تیربار"، واژه "تیربار" هسته گروه اسمی است.

آرایه‌های ادبی به کاررفته در ستون "ب" به کدام یک از بیت‌های ستون "الف" مربوط می‌شود؟ (در ستون "ب" یک مورد اضافی است.)

ستون "ب"	ستون "الف"
(۱) ایهام	الف) با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم من و تو
(۲) استعاره	ب) کاوس کیانی که کی اش نام نهادند کی بود؟ کجا بود؟ کی اش نام نهادند
(۳) حس آمیزی	ج) نه در شیراز و نه در شهر گنجه نظامی می‌شوم در قصر شیرین
(۴) جناس تام	

باتوجه به رباعی زیر، به پرسش‌های داده شده، پاسخ دهید.

"کس چون تو طریق پاک‌بازی نگرفت با زخم، نشان سرفرازی نگرفت

زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت"

الف) واژه "زخم" با کدام واژه ارتباطی مبتنی بر تشبیه دارد؟

ب) آرایه‌های ادبی "تشخیص" و "کنایه" را در مصراع پایانی مشخص کنید.

باتوجه به هریک از موارد داده شده، پاسخ درست را انتخاب کنید.

در بیت "لبریز زندگی است نفسهای آخرت آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه"، مصراع اول آرایه "حسن تعلیل" دارد یا "تناقض"؟

در نوشته "زمزمه لطیف و سبک و ملایم شما گمان مرا تأیید کرد"، آرایه "سجع" دیده می‌شود یا "حسامیزی"؟

باتوجه به نوشته زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

"زمزمه لطیف و ملایم شما گمان مرا تأیید کرد. کجا می‌توانست مخفیگاه من باشد، در زمانی که ماه داشت سربلند از پشت ابرهای تیره بیرون می‌آمد؟"

الف) کدام واژه دارای آرایه "تشخیص" است؟

ب) در کدام قسمت، آرایه "حسامیزی" دیده می‌شود؟

بیت زیر را به درستی کامل کنید.

شاهد که در محضر آورند در دادگاه عشق گواه

۲۳۳ مصراع اول بیت زیر را بنویسید.

در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه

۲۳۴ مصراع نخست کدام بیت، نادرست است؟

الف) ماه آمده به دیدن خورشید، صبح زود
ب) لبریز زندگی است نفسهای آخرت
یا ماه بی ملاحظه افتاده بین راه؟
آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه

۲۳۵ مصراع‌های مرتبط را به هم وصل کنید. (یک مصراع اضافی است)

الف) از دوردست می‌رسد آیا کدام پیک؟	۱- از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه
ب) لبریز زندگی است نفس‌های آخرت	۲- ای مسلم شرف به کجا می‌کنی نگاه
	۳- آورده مرگ گرم به آغوش تو پناه

۲۳۶ باتوجه به رباعی زیر، منظور از "طریق پاک‌بازی" چیست؟

"کس چون تو طریق پاک‌بازی نگرفت
زین پیش دلورا، کسی چون تو شگفت
با زخم نشان سرفرازی نگرفت
حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!"

۲۳۷ در شعر زیر، شاعر دلیل بیدارشدن هرساله نوبهار را چه می‌داند؟

هر سال چو نوبهار خرم بیدار شود ز خواب نوشین
تا باز کند به روی عالم دیباچه خاطرات شیرین
از لاله دهد به سبزه زیور ای دوست مرا به خاطر آور

۲۳۸ باتوجه به ابیات زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

"کس چون تو طریق پاک‌بازی نگرفت
زین پیش دلورا، کسی چون تو شگفت
با زخم نشان سرفرازی نگرفت
حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!"

الف) مخاطب شاعر در این دو بیت کیست؟

ب) مقصود از به بازی گرفتن حیثیت مرگ چیست؟

۲۳۹ مقصود از آخرین جمله عبارت "با آخرین رمق‌هایتان داد زدید و به همه دستور دادید که بروند... به یک نفر هم گفتید که به برادر

محسن خبر بدهد که ادامه حمله را در دست بگیرد." چیست؟

۲۴۰ با توجه به بیت "کس چون تو طریق پاک‌بازی نگرفت / با زخم نشان سرفرازی نگرفت" و متن درس "آن شب عزیز"، "حالا دلخوشی‌ام

به این است که هر روز صبح با این یک پا و دو عصا به اینجا بیایم" نشان سرفرازی "احمد موحدی" شخصیت اصلی داستان چیست؟

۲۴۱ برای هریک از واژه‌های مشخص شده یک برابر معنایی مناسب بنویسید.

الف) اگر کوه آتش بودم پسپرم

ب) به‌عنوان ولیمه کباب غاز صحیحی بدهد.

۲۴۲ باتوجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

"یکی تازی‌ای برنشسته سیاه
همی خاک نعلش برآمد به ماه"

الف) منظور از تازی سیاه چیست؟

ب) مفهوم مصراع دوم را بنویسید.

۲۴۳

کدام یک از ابیات زیر، فاقد غلط املائی است؟

الف) چو او را بدیدند برخاست غو که آمد ز آتش برون شاه نو
 ب) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی نتوان شبح تو گفتن که تو در وهم نیایی

۲۴۴

در گروه کلمه‌های زیر، چهار مورد نادرستی املائی وجود دارد؛ درست هریک را بنویسید.

"غرامت و تاوان - اطراق و در جایی ماندن - چریغ آفتاب - چاه قدر ناجوانمردان - آذرم و حیا - گزند و آسیب - عساره تاک"

۲۴۵

در گروه کلمه‌های زیر، دو مورد نادرستی املائی وجود دارد؛ درست هریک را بنویسید.

"آذرم و حیا - خار و بی‌ارزش - سورت سرمای دی - زهر شمشیر و سنان"

۲۴۶

در بیت "به دستور فرمود تا ساروان / هیون آرد از دشت صد کاروان":

الف

کدام واژه در جایگاه "ممیز" است؟

ب

جمله "پیرو" یا "وابسته" را مشخص کنید.

۲۴۷

باتوجه به جمله زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

"سیاوش، فرزند کاووس، شاه کیانی است که رستم به او رسم پهلوانی می‌آموزد."

الف

کدام گروه اسمی، نقش دستوری "مفعول" دارد؟

ب

یک ترکیب اضافی و یک ترکیب وصفی بیابید و بنویسید.

پ

گروه اسمی "شاه کیانی" مسند است یا بدل؟

۲۴۸

باتوجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

"چنان آمد اسپ و قبای سوار که گفتی سمن داشت اندر کنار"

الف

یک حرف ربط وابسته‌ساز بیابید.

ب

ترکیب "قبای سوار" وصفی است یا اضافی؟

پ

کدام نقش تبعی در این بیت به کار رفته است؟

۲۴۹

باتوجه به ابیات زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

"سیاوش چنین گفت کای شهریار که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار
 پر اندیشه شد جان کاووس کی ز فرزند و سودابه نیک‌پی"

الف

کدام واژه در نقش منادا به کار رفته است؟

ب

کارکرد "را" در بیت اول چیست؟

پ

یک ترکیب اضافی در بیت دوم بیابید و بنویسید.

۲۵۰

در بیت زیر، نقش دستوری ضمیر پیوسته "ش" را بنویسید.

"چو بشنید خسرو از آن شاد گشت روانش ز اندیشه آزاد گشت"

- (۱) همی داد مژده یکی را دگر که بخشود بر بی‌گنه دادگر
 (۲) رخ شاه کاووس پرشرم دید سخن گفتنش با پسر نرم دید
 (۳) که هرچند فرزند هست ارجمند دل شاه از اندیشه یابد گزند
 (۴) چنین است سوگند چرخ بلند که بر بی‌گناهان نیاید گزند

بیت "سرانجام گفت ایمن از هر دوان نگردد مرا دل نه روشن‌روان" از زبان چه کسی بیان شده است؟

زمینه حماسی متناسب با هر بیت را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید.

- (الف) چنین است سوگند چرخ بلند که بر بی‌گناهان نیاید گزند (ملی / قهرمانی)
 (ب) همگان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید / پای تا سر گوش (خرق عادت / داستانی)

آرایه ادبی مناسب با هر بیت را برگزیده، در برابر آن بنویسید. (یک آرایه، اضافه است)

(الف) یکی تازی‌ای برنشسته سیاه (ب) عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را (پ) در عالم پیر، هرکجا برنایی است	همی خاک نعلش برآمد به ماه سیل یکسان می‌کند پست‌وبلند راه را عاشق بادا که عشق خوش سودایی است	(۱) ایهام (۲) اغراق (۳) حُسن تعلیل (۴) اسلوب معادله
---	---	--

آرایه ادبی مناسب با هر بیت را برگزیده، در برابر آن بنویسید. (یک آرایه، اضافه است)

(الف) رخ شاه کاووس پرشرم دید (ب) شانه می‌آید به کار زلف در آشفتگی (پ) یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر	سخن گفتنش با پسر نرم دید آشنایان را در ایام پریشانی بپرس کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی	(۱) حس‌آمیزی (۲) متناقض‌نما (۳) حُسن تعلیل (۴) اسلوب معادله
--	---	--

کدام‌یک از ابیات زیر، دارای زمینه ملی حماسه است؟

- (الف) "بدانگاه سوگند پرمایه شاه چنین بود آیین و این بود راه"
 (ب) "سراسر همه دشت بریان شدند بر آن چهر خندانش گریان شدند"

در بیت زیر، مفهوم کنایه مصراع دوم را بنویسید.

"چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی باید زدن سنگ را بر سبوی"

حس‌آمیزی به‌کار رفته در عبارت زیر را توضیح دهید.

"مثل کلاس گرم و پرشور حرف می‌زدید و مثل کلاس طنز و شوخی از کلامتان نمی‌افتاد."

ستون اول	ستون دوم
۱ محرم این هوش جز بی‌هوش نیست	مر زبان را مشتری جز گوش نیست
۲ بر لب آن چاه / سایه‌ای را دید / او شغاد آن نابردار بود / که درون چه نگه می‌کرد /	اسلوب معادله
۳ رخ شاه کاووس پرشرم دید	سخن گفتنش با پسر نرم دید
۴ جامه‌ای کاو نشود غرقه‌به‌خون بهر وطن	بدر انجامه که ننگ تن و کم از کفن است
۵ تا چشم بشر نبیندت روی	بنهفته به ابر چهر دل‌بند

۲۶۰

در بیت زیر، کدام واژه کاربرد مجازی دارد؟ مفهوم آن را بنویسید.

"سراسر همه دشت بریان شدند بر آن چهر خندانش گریان شدند"

۲۶۱

کدامیک از ویژگی‌های حماسه در بیت‌های زیر دیده می‌شود؟ آن‌ها را از کمانک‌های مقابل انتخاب کنید.

الف

یکی تازی‌ای برنشسته سیاه همی خاک نعلش برآمد به ماه (خرق عادت - مَلّی)

۲۶۲

در بیت "پراگنده کافور بر خویشتن چنان چون بود رسم و ساز کفن"، منظور شاعر را از "مصراع اول" بنویسید.

۲۶۳

باتوجه به بیت زیر، رفتار سرنوشت با آزادگان چگونه است؟

"ضربت گردون دون آزادگان را خسته کرد کو دل آزاده‌ای کز تیغ او مجروح نیست"

۲۶۴

باتوجه به بیت "جهاندار، سودابه را پیش خواند همی با سیاوش به گفتن نشاند"،

الف) منظور از "جهاندار" کیست؟

ب) معادل امروزی "با سیاوش به گفتن نشاند"، چیست؟

۲۶۵

هریک از بیت‌های ردیف "اول"، با کدامیک از مفاهیم ردیف "دوم"، متناسب است؟ آن‌ها را به هم ربط دهید. (در ستون "دوم"، یک مفهوم اضافی است.)

ردیف اول	ردیف دوم
الف سیاوش بدو گفت انده مدار کزین سان بود گردش روزگار	۱ بیان نابسامانی‌های جامعه
ب گفت: مستی، زان سبب افتان‌وخیزان می‌روی گفت جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست	۲ ابراز خشم بر دشمن
ج شیر مردی باید این ره را شگرف زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف	۳ بیگانه‌ستیزی
د خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران گنش آن خانه که بیت الحزن است	۴ تقدیرگرایی
	۵ بیان دشواری‌های راه عشق

۲۶۶ بیت زیر بر چه مفهومی تأکید دارد؟

"چو بخشایش پاک‌یزدان بود دم آتش‌وآب یکسان بود"

۲۶۷ باتوجه به بیت‌های زیر، دلیل نگرانی کاووس درباره زن و فرزندش چیست؟

"پراندیشه شد جان کاووس کی ز فرزند و سودابه نیک‌پی
کزین دو یکی گر شود نابکار از آن‌پس که خواند مرا شهریار؟"

۲۶۸ معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

"چو او بدیدند برخاست غو که آمد ز آتش برون شاه نو"

۲۶۹ در بیت زیر، پس از آنکه "دو صد مرد آتش‌فروز" در آتش می‌دمند، چه اتفاقی می‌افتد؟

"بیامد دو صد مرد آتش‌فروز دمیدند گفتمی شب آمد به روز"

۲۷۰ مراد از "این سخن" در بیت زیر چیست؟

"سیاوش چنین گفت کای شهریار که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار"

۲۷۱ معادل درست هریک از توضیحات عرفانی زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف خالی‌شدن قلب سالک از آنچه جز خداست. (تجرید / اشتیاق)

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۲۷۲ شیرمردی باید این ره را شگرف

۲۷۳ پیشت آید هرزمانی صد تعب

۲۷۴ منزل تفرید و تجرید آیدت

۲۷۵ هم ماه با کلاهی، هم سرو با قبایی

۲۷۶ املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) الا ولله که امروز باید (ناهار / نهار) را با ما صرف کنی.

ب) شاهان باز شکاری را روی (شصت / شست) مینشانند و با خویشتن به شکار می‌برند.

۲۷۷ در ابیات و عبارت زیر غلط‌های املایی را بیابید و شکل درست آن‌ها را بنویسید.

الف در چشم خلق اگرچه ذره‌ایم ما خورشید بی‌ذوال سیه خانه خودیم

ب مستم کن آن چنان که ندانم سر از قدم تا وارهم ز غصه دوران پرطعب

پ الحق پشت‌وپناه سپاه و روی بازار اتباع من بوده در دیده دشمنان خوار و بر روی دوستان خال.

۲۷۸ در بیت زیر، یک ترکیب "وصفی" و یک ترکیب "اضافی" پیدا کنید.

"چشم بگشا به گلستان و بین جلوه آب صاف در گل و خار"

۲۷۹ نوع "نقش‌های تبعی" مشخص شده را در متن "ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریاری است. نامش سیمرغ است و در پیس کوه قاف،

بلندترین کوه روی زمین بر درختی بلند آشیان دارد." بنویسید.

باتوجه به بیت‌های زیر، درستی یا نادرستی گزاره‌های داده شده را تعیین کنید.
 "صد هزاران سایه جاوید، تو گم شده بینی ز یک خورشید تو
 چون نگه کردند آن سی مرغ زود بیشک این سی مرغ آن سیمرغ بود
 خویش را دیدند سیمرغ تمام بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام"

الف

واژه "تو" نقش تبعی تکرار و واژه "خود" نقش تبعی بدل دارد.

درست نادرست

ب

بیت دوم، یک جمله غیرساده است و مصراع اول، جمله وابسته آن است.

درست نادرست

پ

نقش دستوری واژه "تمام" در هر دو مصراع بیت سوم، "قید" است.

درست نادرست

ت

مفهوم "ان" در واژه "صد هزاران" همانند واژه "ان" در واژه "بهاران" است.

درست نادرست

در عبارت "من بسیار کوشیده‌ام تا روی دست شاهان جا گرفته‌ام و برای آنان شکار کرده‌ام. آن به که مرا نیز معذور دارید."
 الف) یک پیوند وابسته‌ساز و یک پیوند هم‌پایه‌ساز بیابید و بنویسید.
 ب) چه فعلی، حذف شده است؟ نوع حذف، لفظی است یا معنایی؟

داستان "سی مرغ و سیمرغ" از کدام اثر ادبی برگرفته شده است؟

در بیت زیر، شاعر برای بیان وجه شبه، از کدام آرایه ادبی بهره برده است؟
 "عاشق آن باشد که چون آتش بود گرم رو، سوزنده و سرکش بود"

باتوجه به عبارت زیر و منطق الطیر، "بلبل" نماد چه کسانی است؟
 "هدهد به بلبل پاسخ گفت: "مهرورزی تو بر گل کار راستان و پاکان است اما زیبایی محبوب تو چند روزی بیش نیست."

درباره "تلمیح" به کاررفته در بیت زیر، یک سطر توضیح دهید.
 "طاووس باغ قدسم، نی بوم این خرابه آنجاست جلوه‌گاهم، اینجا چه کار دارم؟"

باتوجه به منطق الطیر عطار، هریک از پرندگان زیر، نماد چه کسانی هستند؟

بلبل:

هدهد:

درباره تلمیح به کاررفته در بیت زیر، توضیح دهید.
 "ز نیرنگ هوا و از فریب آز خاقانی دلت خلد است خالی ساز از طاووس و شیطانش"

هریک از ابیات زیر، یادآور کدام یک از هفت وادی است؟

مال اینجا بایدت انداختن ملک اینجا بایدت در باختن

صد هزاران سایه جاوید تو گم شده بینی ز یک خورشید تو

۲۹۱ هریک از ابیات زیر، یادآور کدامیک از هفت وادی در سرودهٔ عطار است؟ (نام وادی را بنویسید.)

الف وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است

ب روی‌ها چون زین بیابان در کنند جمله سر از یک گریبان بر کنند

۲۹۲ بیت "چنان آمد اسپ و قبای سوار که گفتمی سمن داشت اندر کنار" را با مضمون بیت زیر مقایسه کنید.

"آتش ابراهیم را نبود زیان هرکه نمرودی است گو می‌ترس از آن"

۲۹۳ بیت "صدهزاران سایهٔ جاوید تو گم‌شده بینی ز یک خورشید تو" و بیت زیر، بر کدام مفهوم مشترک تأکید دارند؟

"وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا هرکه فانی شد ز خود، مردانه‌ای است"

۲۹۴ مقصود از "سرای پاک و پلید" در بیت زیر چیست؟

"در این مقام، طرب بی‌تعب نخواهد دید که جای نیک و بد است این سرای پاک و پلید"

۲۹۵ هریک از موارد زیر، با کدام مورد در جدول داده‌شده مفهوم مشترکی دارد؟ (یک مورد در جدول اضافی است)

الف) کاووس کیانی که کپاش نام نهادند کی بود؟ کجا بود؟ کپاش نام نهادند؟

ب) حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخرهٔ سنگش و سنگریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد.

ج) شیرمردی باید این ره را شگرف زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف

۱	نی حدیث راه پرخون میکند	قصه‌های عشق مجنون میکند
۲	راستی خاتم فیروزهٔ بواسحاقی	خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود
۳	من نمازم را وقتی میخوانم / که اذانش را باد گفته باشد سر گلدستهٔ سرو / ...	
۴	هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد	هرکه بیروزی است، روزش دیر شد

۲۹۶ باتوجه به متن زیر، منظور هدهد از "خورشید" و "دژه" چیست؟

"هدهد در پاسخ طاووس گفت: "بهشت جایگاهی خرم و زیباست اما زیبایی بهشت نیز پرتوی از جمال سیمرغ است."

هرکه داند گفت با خورشید راز کی تواند ماند با یک دژه باز؟"

۲۹۷ معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

"گل اگرچه هست بس صاحب جمال حُسن او در هفته‌ای گیرد زوال"

عطار

۲۹۸ از بیت‌های زیر، برای هریک از مفاهیم خواسته‌شده، یک معادل کنایی بیابید و بنویسید.

الف) چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی نباید زدن سنگ را بر سبوی

ب) روی‌ها چون زین بیابان درکنند جمله سر از یک گریبان برکنند

(۱) به وحدت رسیدن: (۲) آزمایش کردن:

۲۹۹ باتوجه به عبارت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

"حالا دیگر چانه‌اش هم گرم شده و در خوش‌زبانی و حزافی و شوخی و بذله، نوک جمع را چیده و متکلم‌وحده و مجلس‌آرای

بلامعارض شده است"

الف) "چانه گرم شدن"، با کدامیک از واژه‌های "خوش‌زبانی، حزافی، شوخی و بذله"، مفهوم یکسانی دارد؟

ب) مقصود از "چیدن نوک جمع" چیست؟

۳۰۰ در بیت زیر، معنای قسمت مشخص شده را بنویسید.
"روی‌ها چون زین بیابان درکنند جمله سر از یک گریبان برکنند"

۳۰۱ هریک از بیت‌های ردیف اول با کدامیک از وادی‌های عرفانی ذکرشده در ردیف دوم مطابقت دارد؟

ردیف دوم	ردیف اول	
وادی عرفانی	بیت	
توحید	بازیابد در حقیقت صدر خویش	هریکی بینا شود بر قدر خویش
استغنا	جمله سر از یک گریبان برکنند	روی‌ها چون زین بیابان درکنند
معرفت	هفت‌دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است	هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است

معنی و مفهوم را به نثر روان بنویسید.

۳۰۲ گل اگرچه هست بس صاحب‌جمال حُسن او در هفته‌ای گیرد زوال

۳۰۳ عاشق آن باشد که چون آتش بود گرم‌رو، سوزنده و سرکش بود

۳۰۴ بعدازاین وادی استغنا بود نه درو دعوی و نه معنا بود

۳۰۵ بعدازاین وادی فقر است و فنا کی بود اینجا سخن گفتن روا

معنی واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

۳۰۶ باید به‌عنوان ولیمه، کباب غاز صحیحی بدهد.

۳۰۷ علاوه بر غاز معهود، دو نوع خورش و برنج آماده شده بود.

۳۰۸ لهذا صدایش کردم، سرش را خم کرد و وارد شد.

۳۰۹ جوان دیلاقی آمده و می‌گوید پسرعموی تنی توست.

۳۱۰ ناگهان مصطفی با لباس تازه و پوتین جیر بزاق، خرامان وارد شد.

۳۱۱ پس از مدتی اندیشه و استشاره چاره در این دیدم که یک غاز دیگر دست‌وپا کنم.

۳۱۲ با حال استیصال پرسیدم: پس چه خاکی به سرم بریزم؟

۳۱۳ آثار شادی در وجناتش هویدا گردید.

۳۱۴ مجلس‌آرای بلامعارض شده بود.

۳۱۵ چنان کلکش را کردند که گویی غازی به عالم وجود پا نهاده بود.

۳۱۶ محال است در میهمانی اول بعد از عروسی، بگذارم از کسی چیزی عاریه وارد خانه بشود.

۳۱۷ یکی از حضار چنان محظوظ گردیده بود که جلو رفته و جبهه شاعر را بوسید.

۳۱۸ دیدم توطئه ما دارد می‌ماسد.

۳۱۹ شش‌دانگ حواسم به مصطفی است که نکند بوی غاز مستش کند.

۳۲۰ در چنین روز مبارکی صله ارحام نکنی، پس کی خواهی کرد؟

۳۲۱ مانند موشی که از خمره روغن بیرون کشیده باشند، او را بیرون انداختم.

۳۲۲ دیروز یک دست از بهترین لباس های نودوز خود را به انضمام مایحتوی بیرون انداختم.

در هریک از متنهای زیر، واژه‌های بیابید که دارای "هم‌آوا" باشد.

۳۲۳ در آن اثنا صدای زنگ تلفن از سرسرای عمارت بلند شد.

۳۲۴ در گروه کلمات زیر، "غلط‌های املایی" را بیابید و شکل صحیح آن‌ها را بنویسید.

"کازیه و جاکاغذی - بقولات و حبوبات - انضمام و ضمیمه - طبق و سینی - طاق و سقف مُهدب - تناول و تعدی - خرد رفتن و ساییده شدن - قلیان و جوشش"

۳۲۵ جمله‌های زیر را با واژه مناسب کامل کنید.

الف نویسنده داستان، محمدعلی جمال‌زاده است.

۳۲۶ از بین آثار زیر، به ترتیب یک اثر از "شکسپیر" و یک اثر از "جمال‌زاده" بیابید.

"از پاریز تا پاریس - غزلواره‌ها - هوا را از من بگیر خنده‌ات را نه - کباب‌غاز - فی حقیقة العشق"

۳۲۷ مفهوم هریک از کنایه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) این سال نو به شما مبارک باشد و هزار سال به این سال‌ها برسید.

ب) دیدم ماشاءالله چشم بد دور، آقا واترقیده‌اند.

مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

۳۲۸ پشت دست داغ کردن:

۳۲۹ سماق مکیدن:

۳۳۰ چند مرده حلاج بودن:

۳۳۱ مفهوم عبارت "ستاره ضعیفی در شبستان تیره‌وتار درونم درخشیدن گرفت." را بنویسید.

۳۳۲ "صرف کردن صیغه بلعت" در عبارت زیر، نمایانگر چه مفهومی است؟

"مهمانها بدون تخلف، تمام‌وکمال دور میز حلقه زده، در صرف کردن صیغه بلعت اهتمام تامی داشتند."

هریک از بیت‌های ردیف "اول"، با کدامیک از مفاهیم ردیف "دوم"، متناسب است؟ آن‌ها را به هم ربط دهید. (در ستون "دوم"، یک مفهوم اضافی است)

ردیف اول		ردیف دوم
الف	چو گل هر جا که لبخند آفرینی	به هر سو رو کنی لبخند بینی
ب	این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند	کان را که خبر شد خبری بازنیامد
ج	گلّه ما را گله از گرگ نیست	این‌همه بیداد شبان می‌کند
د	هرکه جز ماهی ز آبش سیر شد	هرکه بی‌روزی است روزش دیر شد
		از ماست که بر ماست

در جدول زیر، هر یک از متن‌ها، با کدامیک از مفاهیم مقابل خود، تناسب معنایی دارد؟

الف	"ستاره ضعیفی در شبستان تیره‌وتار درونم درخشیدن گرفت."	(۱) امیدوارشدن
ب	"اگر خونین دلی از جور ایام لب خندان بیاور چون لب جام"	(۱) بردباری در برابر مشکلات روزگار (۲) توصیه به شادی در هنگام سختی
		(۲) رهاشدن از ضعف و ناتوانی

کدامیک از عبارات قسمت "الف" با ابیات قسمت "ب" تناسب مفهومی دارند؟

"الف"	"ب"
(۱) از ماست که بر ماست.	(۱) باآنکه در وجود طعام است حظ نفس / رنج آوزد طعام که بیش از قدر بود
(۲) تیری که از شست رفته باز نمی‌گردد.	(۲) سخن گفته دگر باز نیاید به زبان / اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد
(۳) گاه از خودمان نیست، کاهدان از خودمان است.	(۳) همه عیب از من آمد که ز من چنین فن آمد / که به قصد، کژدمی را سوی پای خود کشیدم

مفهوم نشانه "ان" را در واژه‌های زیر بنویسید.

در سروده زیر، "مشته و مشته‌به" را مشخص کنید.
"بخند؛ زیرا خنده تو برای دستان من، شمشیری است آخته."

۳۳۹ باتوجه به سروده "بخند؛ زیرا خنده تو برای دستان من شمشیری است آخته"، منظور از "شمشیر آخته" چیست؟

۳۴۰ در نوشته زیر یک "پیوند وابسته‌ساز" بیابید و جمله وابسته را مشخص کنید.
"می‌خواهم بدانجا روم که خداوند آن را سر حدّ دنیای خلقت قرار داده است و دیگر در آن ذی‌حیاتی نفس نمی‌کشد."

۳۴۱ در سروده "خنده‌ات که رها می‌شود / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید / تمامی درهای زندگی را به رویم می‌گشاید":
الف) کدام واژه "دو تلفظی" است؟

ب) ترکیب "درهای زندگی" وصفی است یا اضافی؟

پ) مفهوم نشانه "ان" را در واژه "پروازکنان" بنویسید.

۳۴۲ باتوجه به ابیات زیر، به پرسشهای داده شده، پاسخ دهید.

"اگر خونین‌دلی از جور ایام لب خندان بیاور چون لب جام

به آن کس میرسد زین گنج بسیار که باشد شادمانی را سزاوار"

الف) مفهوم نشانه "ان" در واژه "خندان" چیست؟

ب) در بیت دوم جمله "هسته (پایه)" و جمله "وابسته (پیرو)" را مشخص کنید.

۳۴۳ نام آفرینندگان آثاری که نویسنده آنها نادرست است، بنویسید.

"سانتاماریا: سپید مهدی شجاعی - تمهیدات: شهاب‌الدین سهروردی - سندباد نامه: ظهیری سمرقندی - فیه ما فیه: جامی - دری به خانه خورشید: سلمان هراتی"

۳۴۴ مفهوم نمادین "گل سرخ" را در سروده زیر، بنویسید.

"نان را از من بگیر، اگر می‌خواهی، هوا را از من بگیر، اما خنده‌ات را نه. گل سرخ را از من بگیر."

۳۴۵ باتوجه به سروده "آنگاه که پاهایم می‌روند و بازمی‌گردند / نان را، هوا را، روشنی را، بهار را، از من بگیر اما خنده‌ات را هرگز / تا چشم از دنیا نبندم"

الف) یک نمونه آرایه تضاد بیابید.

ب) مفهوم کنایه "چشم از دنیا نبندم"، چیست؟

۳۴۶ در سروده "عشق من، / خنده تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکفت / بخند؛ زیرا خنده تو / برای دستان من، / شمشیری است آخته":

الف) کاربرد "استعاره" را در قسمت مشخص شده توضیح دهید.

ب) شاعر در بند پایانی از چه آرایه ادبی بهره برده است؟

۳۴۷ در سروده "اما خنده‌ات که رها می‌شود / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید / تمامی درهای زندگی را / به رویم می‌گشاید"،

الف) ترکیب "درهای زندگی"، یک اضافه استعاری است یا تشبیهی؟

ب) مفهوم کنایه "در به روی کسی گشودن" را بنویسید.

۳۴۸ باتوجه به ابیات زیر، مراد از "پیر خردمند" کیست؟

"چه خوش فرمود آن پیر خردمند وزین خوشتر نباشد در جهان پند:

اگر خونین‌دلی از جور ایام لب خندان بیاور چون لب جام"

۳۴۹ در سروده زیر، مقصود شاعر از "نان و هوا" چیست؟

"نان را از من بگیر، اگر می‌خواهی / هوا را از من بگیر، اما / خنده‌ات را نه."

۳۵۰ درک و دریافت خود را از سروده زیر بنویسید.

"و اگر دیدی، به ناگاه / خون من بر سنگفرش خیابان جاری است، / بخند، زیرا خنده تو / برای دستان من، / شمشیری است آخته"

(۱) امیدوار شدن	"ستارهٔ ضعیفی در شبستان تیره و تار درونم درخشیدن گرفت."	الف
(۲) رها شدن از ضعف و ناتوانی		
(۱) سختی کشیدن و بردباری در راه کمال	"اگر خونین دلی از جور ایام لب خندان بیاور چون لب جام"	ب
(۲) توصیه به شادی در هنگام سختی		

باتوجه به سرودهٔ "بخند؛ زیرا خندهٔ تو برای دستان من شمشیری است آخته"، منظور از "شمشیر آخته" چیست؟

باتوجه به متن زیر، شکل درست واژه‌ای را که املای آن غلط است، بنویسید.

"معلم] لباسی را که جز در روز توزیع جوایز یا در هنگامی که بازرسی به مدرسه می‌آمد نمی‌پوشید، بر تن کرده بود. گذشته از آن، تمام اتاق درس را ابهت و شکوهی که مخصوص مواقع رسمی است، فرا گرفته بود اما آنچه بیشتر مایع شگفتی من گشت، آن بود که روی نیمکت‌هایی که در مواقع عادی خالی بود، جماعتی را از مردان دهکده دیدم که نشسته بودند."

باتوجه به سرودهٔ زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

"ایا چیزی در مخیلهٔ آدمی می‌گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد / اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟!"
 الف) در این سروده، یک پیوند "هم‌پایه‌ساز" بیابید و بنویسید.
 ب) زمان کدام فعل، "مضارع اخباری" است؟

در کدام بیت، واژه‌های هم‌معنی واژهٔ "جبهه" به کار رفته است؟

الف) دلم را داغ عشقی بر جبین نه / زبانم را بیانی آتشین ده
 ب) الهی سینه‌ای ده آتش افروز / در آن سینه دلی وان دل همه سوز

باتوجه به سرودهٔ زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

"چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن / که بتواند عشق مرا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟"
 الف) نوع حذف به‌کاررفته در این سروده لفظی است یا معنایی؟
 ب) زمان فعل "مانده است"، ماضی نقلی است یا ماضی بعید؟
 ج) کدام واژه، وابسته پیشین اسم است؟

در سرودهٔ "و نخستین احساس عشق را در جایی می‌جوید که خود در آنجا به دنیا آمده است"،

الف) نوع زمان فعل "آمده است" را بنویسید.
 ب) ترکیب "احساس عشق" وصفی است یا اضافی؟

باتوجه به متن "با خود اندیشیدم که باز برای ما چه خوابی دیده‌اند؟ آنگاه سر خویش گرفتم و راه مدرسه در پیش:"

الف) واژگان پدیدآورندهٔ آرایهٔ لفظی "سجع" کدامند؟
 ب) یک مورد کاربرد کنایه مشخص کنید.

آرایهٔ بارز عبارت زیر را بیابید و نام آن را بنویسید.

"معلم را دیدم که بر کرسی خود نشست و سپس با همان صدای گرم اما سخت که هنگام ورود با من سخن گفته بود، گفت: فرزندان، این بار آخر است که من به شما درس می‌دهم."

شکسپیر در بند زیر چه ویژگی‌هایی را برای عشق جاودانی برمی‌شمارد؟ (ذکر دو مورد)

"این‌گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند / و نه توجهی به گردوغبار و جراحات پیری دارد"



پاسخنامه

۱ مطاع

۲ پی بردن به حقایق (۰/۲۵)

پاسخ سؤالات ۳ تا ۶

۳ یاری رساننده، مددکننده

۴ صاحب جمال

۵ حرکت می کنم، تلاش می کنم، می روم

۶ بلند، بالیده

۷ حلیه _ منسوب

۸ الف) آغاز کرد / ب) اخذ کرد

۹ الف) بوی گلم چنان مست کرد.

ب) م: مفعول. مَسْت: مسند

پاسخ سؤال ۱۰

۱۰ لفظی

۱۱ فایق، باسق

۱۲ فزاش

۱۳ الف) مراعات نظیر

ب) مرغ سحر نماد هر انسان عاشق / پروانه نماد عاشق حقیقی

- ۱۴ گوشه‌نشینان بارگاه عظمت خداوند به عذر و کوتاهی خود در عبادت خداوند اعتراف می‌کنند که: "ما تو را آن‌چنان که شایسته پرستش هستی، نپرستیدیم."
- ۱۵ یکی از عرفا درحالی‌که در گوشه خلوت به مراقبه و عبادت مشغول بود و هیچ فکری غیر از عبادت در سرش نبود و در دریای کشف حقایق هستی غرق شده بود.
- ۱۶ ستار العیوب بودن یا عیب‌پوشی خداوند (۰/۲۵)
- ۱۷ توبه به درگاه خدا
- ۱۸ به شیوه صمیمی و خودمانی
- ۱۹ پوشاننده گناه و خطا (ستارالعیوب) و رزاق بودن و بخشندگی
- ۲۰ (ب) (ما عرفناک حق معرفتک)
- ۲۱ ائت مسلمان با یاری (شفاعت) پیامبر اکرم (ص) دلگرم (امیدوار) و شکست‌ناپذیر می‌گردند. (۰/۵)

پاسخ سؤالات ۲۲ تا ۲۴

- ۲۲ آنجا شویم ← برویم - خمار نیست؟ ← بودن، وجود داشتن
- ۲۳ آگاه نیست ← آگاهی ندارد - اکراه نیست ← اکراهی ندارد
- ۲۴ سبز می‌شویم ← می‌گردیم

پاسخ سؤالات ۲۵ تا ۲۶

- ۲۵ محتسب: مأمور حکومتی که ناظر بر اجرای احکام دین است. - حد: مجازات شرعی
- ۲۶ غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیرمالی
- ۲۷ بهر (بحر) - صد (سد)

پاسخ سؤال ۲۸

صواب ۲۸

۲۹ ب- داروقه ← داروغه

۳۰ چهار مفعول.

مفعول اول: جمله " آنجا به صنعت در چه کوشند "

مفعول دوم: جملات "انده خرنند و جان فروشند"

مفعول سوم: انده (اندوه)

مفعول چهارم: جان

۳۱ الف نادرست

ب درست

۳۲ مشروطه

۳۳ الف هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی

ب زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی

۳۴ الف ای مهربان تر از برگ در بوسه های باران
ب) گر در سرت هوای وصال است حافظا
بیداری ستاره در چشم جویباران
باید که خاک درگه اهل هنر شوی

۳۵ ریا و دورویی / تزویر

پاسخ سؤالات ۳۶ تا ۳۷

۳۶ ترک تعلقات و پرداختن به عشق الهی سبب رسیدن به کمال است.

۳۷ عشق و نور الهی انسان را از گزند آسیبها مصون می دارد.

۳۸ رشوه خواری

۳۹ گناه، کم یا زیاد آن، هر دو ناپسند است.

۴۰ الف) اراده، عزم و تلاش - ب) یاری، عنایت و توجه

پاسخ سؤالات ۴۱ تا ۴۶

۴۱ محرک

۴۲ روش و طریق

۴۳ بیگانگان

۴۴ شیطان، ابلیس

۴۵ ماتمکده

۴۶ چانه

پاسخ سؤالات ۴۷ تا ۴۸

۴۷ فراغت (ما "آرامشی" داریم که...)

۴۸ طایر ("طایر" به معنی "پرنده" است و با همین املا، مناسب بیت است)

۴۹ فکری / او : حذف به قرینه لفظی

۵۰ الف [تو] آن جامه را بدر، زیرا [آن جامه] ننگ تن [است] و [آن جامه] کم از کفن است. - همه حذفها به قرینه لفظی است.

ب [تو] آن خانه را از اشک ویران کن؛ زیرا [آن خانه] بیت‌ال‌حزن است. - هر دو حذف به قرینه لفظی است.

۵۱ نهاد: هرکس / مسند: محترم

۵۲ ب) پیش از آنی که زند سبزه سر از خاکش، کاش / دل عارف هوس سبزه و صحرا می‌کرد

۵۳ الف) یا: "فکری ای هموطنان در راه آزادی خویش / بنمایید که هرکس نکند مثل من است"

۵۴ جامعه

۵۵ در این بیت به زندگی پادشاه اساطیری ایران، جمشید اشاره شده است که جام جهان‌بینی داشت و در آن احوال جهان را می‌دید.

۵۶ غزل اجتماعی

۵۷ داستان یوسف (ع).

۵۸ محمدعلی شاه قاجار.

۵۹ داشتن مردم صاحب‌قلم

- ۶۰ بلندنظری یا مناعت طبع یا قناعت
- ۶۱ الف) وطن پرستی یا جان فشانی در راه وطن
ب) ناپایداری قدرت
- ۶۲ کسی که به افکار مردم جامعه احترام بگذارد.
- ۶۳ "اورنگ"
- ۶۴ گرمرو (عاشق نیز درست است) ب) سریر

پاسخ سؤالات ۶۵ تا ۶۶

۶۵ اورنگ، تخت پادشاهی، سریر

۶۶ خشمگین، غضبناک

۶۷ الف) سرپوش

ب) آویخته

پاسخ سؤال ۶۸

۶۸ ۴ مورد

سطوران ← ستوران / مرحم ← مرهم / ارقند ← ارغند / ذل زدن ← زل زدن

۶۹ الف) "قلب زمین"

ب) این اساس یا این نژاد یا این پیوند

۷۰ دادِ دل، دلِ مردم

۷۱ مضافاً الیه؛ روی تو را نبیند

۷۲ "چون زمین ز جور گردون سرد و سیه و خموش و آوند گشت"

۷۳ الف) درست

ب) نادرست

۷۴ قصیده - محمدتقی بهار

۷۵ تمهیدات: عین القضاة همدانی. / قصه شیرین فرهاد: احمد عربلو.

۷۶ الف خورشید (آفتاب)

ب حسن تعلیل

۷۷ ظلم.

۷۸ (۱) ← اغراق

(۲) ← تلمیح

(۳) ← حسن تعلیل

۷۹ الف حسن تعلیل

۸۰ الف) ← حسن تعلیل

ب) ← اسلوب معادله

ج) ← تلمیح

۸۱ آتش درون: خشم و اعتراض / سوخته جان: شاعر

۸۲ مادر سر سپید: دماوند ، سیاه بخت فرزند: خود شاعر

۸۳ توصیه به اعتراض یا ترک سکوت یا آشکار ساختن حرف درون

پاسخ سؤالات ۸۴ تا ۸۶

۸۴ روسری سفید خود را از سر باز کن (سازش با حکومت را رها کن و از ضعف و گوشه‌گیری بپرهیز)، و شوکت دیرینه خود را - با نشستن بر تختی شاهانه - به دست بیاور.

۸۵ کلاه‌خودی از برف بر سر گذاشته‌ای و صخره‌های دامنه کوه تو همانند کمربندی آهنی است که به کمر بسته‌ای. (تو با استواری و صلابت همانند مبارزی باشکوه، آماده رزم هستی)

۸۶ همانند اژدهایی زهرآلود، حمله‌ور شو و مانند شیری شجاع و خشمگین فریاد برآور و حرکت کن. (دعوت به مبارزه با استبداد حاکم بر جامعه)

پاسخ سؤالات ۸۷ تا ۸۸

۸۷ خاموش کردن

۸۸ ساکت

۸۹ "دیرشدن" در بیت اول مفهوم گذشت زمان و از دست رفتن فرصت را دارد و "بیگاه‌شدن" در بیت دوم به پایان رسیدن روز و شب شدن را دارد. هر دو به فوت زمان اما به صورتی متفاوت اشاره دارند.

پاسخ سؤالات ۹۰ تا ۹۶

۹۰ گمان، پندار

۹۱ فریاد و زاری به صدای بلند

۹۲ ضد زهر، پادزهر

۹۳ پاره‌پاره

۹۴ پوشیده، پنهان

۹۵ بی‌نوا و درویش

۹۶ مونس، همراز، دردآشنا

۹۷ مستور و پوشیده - عجین و آمیخته

۹۸ الف) مضارع التزامی - ب) مسند، نهاد

۹۹ الف) این - ب) صفت مضارعیه

۱۰۰ نیستان: متمم / مرد و زن: نهاد

۱۰۱ الف) مشاور و وزیر / ب) اجازه، رخصت

۱۰۲ اسلوب معادله؛ زیرا مصراع دوم در هر بیت، مصداقی برای مصراع اول آن است.

۱۰۳ الف) دوران حکومت شاهنشاهی (قبل از انقلاب)

ب) انسان کامل، عارف یا خود مولانا

۱۰۴ تشبیه (تشبیه عشق به آتش)

۱۰۵ (۱) مجاز، (دست و زبان)

(۲) اسلوب معادله

(۳) تلمیح

۱۰۶ در مصراع اول "نیست باد" یعنی جریان هوا وجود ندارد در مصراع دوم "نیست باد" در معنای نابودی و وجود نداشتن آمده است.

۱۰۷ سکوت.

۱۰۸ هجران کشیده‌ها یا کسانی که از معشوق دور مانده‌اند.

۱۰۹ (الف)

۱۱۰ خوشحالان: رهروان راه حق که از سیر به سوی حق شادمان‌اند.
بدحالان: کسانی که سیر و سلوک آن‌ها به سوی حق، کند است.

پاسخ سؤالات ۱۱۱ تا ۱۱۳

۱۱۱ هرکسی در حدّ فهم و بر اساس پندار خود با من همراه و یار شد؛ اما حقیقت حال مرا درک نکرده است.

۱۱۲ ما عاشقان، روزهای زیادی را با غم عشق سپری کردیم؛ روزهایی که با سوزوگداز عشق همراه بود.

۱۱۳ تنها ماهی دریای حق (عاشق) است که از غوطه خوردن در آب عشق و معرفت سیر نمی‌شود. هرکسی از عشق بی‌بهره باشد، روزگارش تباه و بیهوده می‌شود.

۱۱۴ بیت "ب"، واژه "دیوانگی" معادل "شیدایی" است.

پاسخ سؤال ۱۱۵

۱۱۵ لازم، ضروری، آنچه خداوند بر بندگانش واجب کرده است.

پاسخ سؤالات ۱۱۶ تا ۱۱۷

۱۱۶ نهایت، پایان

۱۱۷ خوراک، غذا، رزق و روزی

پاسخ سؤال ۱۱۸

۱۱۸ ۲ مورد

قایم ← غایت / دیوانه‌گی ← دیوانگی

۱۱۹ (پ) در عالم پیر هر کجا برنایی است.

۱۲۰ چنان = مسند - جهان = مفعول

۱۲۱ عاشق: مسند - بنده: متمم

۱۲۲ گزینه ۲

به عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.

۱۲۳ الف) ← ۳ - ب) ← ۱

۱۲۴ قوت: مفعول / آتش: مسند

۱۲۵ الف) حذف فعل "است"، یکی کمال (است)

ب) هیچ کس

۱۲۶ قصه شیرین فرهاد: احمد عربلو / تمهیدات: عین‌القضات همدانی

پاسخ سؤالات ۱۲۷ تا ۱۲۸

۱۲۷ شهاب‌الدین سهروردی

۱۲۸ عین‌القضاة همدانی

۱۲۹ ۱) تضاد - ۲) اسلوب معادله - ۳) حسن تعلیل - ۴) حس آمیزی

۱۳۰ جمال و کمال

۱۳۱ نماد عاشق حقیقی

۱۳۲ مصراع "ب"

۱۳۳ زندگی بدون عشق برابر با مرگ و نیستی است.

۱۳۴ الف) ساختن دو نردبان از معرفت و محبت

ب) عشق

۱۳۵ زیرا عشق را واسطه رسیدن به خدا می‌داند.

پاسخ سؤالات ۱۳۶ تا ۱۳۷

۱۳۶ پیمودن راه عشق (قدم در راه عاشقی گذاشتن) برای کسی امکان دارد که به فکر خودش نباشد.

۱۳۷ کسی که دیوانه راه عشق و عاشقی است بر عاقل‌ها برتری دارد.

۱۳۸ (۱) ← الف - (۲) ← ب

پاسخ سؤال ۱۳۹

۱۳۹ پیمودن راه عشق (قدم در راه عاشقی گذاشتن) برای کسی امکان دارد که به فکر خودش نباشد.

۱۴۰ گزینه ب

۱۴۱ واژه اندیشه

پاسخ سؤالات ۱۴۲ تا ۱۴۵

۱۴۲ جا کاغذی، جعبه چوبی یا فلزی روباز که برای قرار دادن کاغذ، پرونده یا نامه‌ها روی میز قرار می‌دهند.

۱۴۳ حدّ نهایی چیزی، کمال مطلوب

۱۴۴ نوعی ردا، جامه بلند و گشاد

۱۴۵ دور دانستن، بعید شمردن

۱۴۶ (ج) بهر (د) شصت

۱۴۷ الف) چریغ - ب) هضم

پاسخ سؤال ۱۴۸

۱۴۸ ۴ مورد

قاشیه ← غاشیه / چریق ← چریغ / تاق ضربی ← طاق ضربی / نمت ← نمط

۱۴۹ یار: مسند

اسرار: مفعول

۱۵۰ الف) صفت مضاف‌الیه

ب)

خواندن این مطلب

۱۵۱ تنوری یا معطر (۰/۲۵) - صفت مضاف‌الیه (۰/۲۵)

۱۵۲ "دو → تخته) ← فرش"
(نوع وابسته و ابسته: ممیز)

۱۵۳ الف) مسند

ب) خون ضعیفان

ج) که

۱۵۴ جمله هسته: من بعد از خواندن این مطلب متوجه شدم.

جمله وابسته: دنیا عجیب فراموش کار است.

۱۵۵ الف) صفت مضاف‌الیه

ب) قید صفت

۱۵۶ الف) بارو

ب) بدل

۱۵۷ الف) یک چوب، صد تیغ جفا بر سر و تن دید تا از خویش تهی شد و آن را نمی‌نامیدند.

ب) مصراع دوم

۱۵۸

صفت مضاف‌الیه	مضاف‌الیه مضاف‌الیه
آن	ادبیات

۱۵۹ بدل: پایتخت ایتالیا یا معطوف: باروهای دودخورده

پاسخ سؤالات ۱۶۰ تا ۱۶۱

۱۶۰ عطار نیشابوری

۱۶۱ محمدابراهیم باستانی پاریزی

۱۶۲ از چاله به چاه افتادن، از بد به بدتر پناه بردن یا هر ضرب‌المثل معادل و درست دیگر.

۱۶۳ پایان‌ناپذیری آرزوهای انسان / بی‌پایان بودن دنیا

۱۶۴ الف) ۱

ب) ۲

۱۶۵ مورد (ب)؛ "آیین طریق از نفس پیر مغان یافت آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند".

۱۶۶ توقّف کوتاه

بیت	مفهوم کلی
صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند	برای رسیدن به خوشی و موفقیت باید سختی کشید
آیین طریق از نَفَس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند	لزوم پیروی از پیر طریقت برای رسیدن به سعادت

۱۶۸ زودگذر و ناپایدار بودن قدرت

۱۶۹ (۱) ناتوانی در سپاسگزاری از خداوند

(۲) ازجان‌گذشتگی عاشق

(۳) بیگانه‌ستیزی

(۴) ناپایداری قدرت

۱۷۰ (ب) از چاله به چاه افتاد.

۱۷۱ آویزان: معلق - رنج: تعب

۱۷۲ کتاب: صحیفه

تماشا: نظاره

۱۷۳ بیت گزینه "ب" واژه "سموم"

پاسخ سؤالات ۱۷۴ تا ۱۷۷

۱۷۴ ماه دهم از سال رومیان، تقریباً مطابق با تیرماه شمسی؛ ماه گرما

۱۷۵ بالاخانه، هریک از اتاق‌های کوچکی که در بالای اطراف سالن یا یک محوطه می‌سازند که مشرف بر محوطه است.

۱۷۶ گردشگاه، جای تماشا، جای تفرّج

۱۷۷ فراسو، آن‌سو، ماسوا، برتر

پاسخ سؤالات ۱۷۸ تا ۱۷۹

۱۷۸ قاش

۱۷۹ حوزه

۱۸۰ الف) کازیه

ب) عشیره

۱۸۱ یقما و تاراج: یغما / آذرَم و حیا: آزرَم / سطور و چهارپا: ستور

۱۸۲ الف) ما را از غربت زندان شهر، به میهن آزاد و دامن‌گسترمان، کویر، می‌برد.

۱۸۳ ب) شرایط تقریباً پایدار

۱۸۴ صفت مضاف‌الیه

نگاه‌های مردم آسفالت‌نشین

۱۸۵ الف) حذف به قرینه لفظی - ب) حذف به قرینه معنایی

پاسخ سؤالات ۱۸۶ تا ۱۸۷

۱۸۶ نسبتاً: قید صفت

۱۸۷ این: صفت مضاف‌الیه

۱۸۸ الف) گل و گیاه پشم گوسفندان را رنگین کرده است.

ب) واو عطف

پ ماضی نقلی

ت قرینہ لفظی

۱۸۹ الف) مسند

ب) دوچین

۱۹۰ نمی‌شود: مضارع اخباری
انداخته‌اند: ماضی نقلی

۱۹۱ دوره‌های کودکی و نوجوانی خود (۰/۲۵) فراز و فرود تاریخ معاصر ایل قشقایی (۰/۲۵)

۱۹۲ حسب حال: زیرا علی شریعتی خود به نوشتن آن همت گمارده است.

۱۹۳ قلب یا قلبم

۱۹۴ گل‌های الماس (استعاره یا مجاز از ستارگان)

۱۹۵ توجّه به باطن و حقیقت هر چیز و پرهیز از ظاهربینی

۱۹۶ عقل و نگاه عاقلانه، زیبایی پدیده‌های هستی را زایل می‌کند. (نفی خرد در نگاه به زیبایی‌های جهان)

۱۹۷ همه اجزای هستی در حال عبادت خدا هستند.

۱۹۸ همه موجودات در حال تسبیح خداوند هستند. {یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض}

۱۹۹ چون زیبایی‌ها را نمی‌توان با عقل دریافت. (نگاه عقل‌گرایانه به زیبایی، زیبایی را از بین می‌برد)

۲۰۰ امید / توجّه داشتن - رونق بخشیدن

۲۰۱ اشاره به گریستن حضرت علی (ع) در حالی که سر درون چاه می‌برد.

۲۰۲ از عرش به فرش آمدن (یا هر ضرب‌المثل درست دیگر)

۲۰۳ الف) معطوف - ب) غرق غبار و غربتیم / با من سمت باران بیا

۲۰۴ الف) عطف - ب) نهاد

۲۰۵ الف عطف

ب چشمان

۲۰۶ الف) نادرست

ب) درست

ج) نادرست

۲۰۷ الف) عطف

ب) ربط

پاسخ سؤالات ۲۰۸ تا ۲۰۹

۲۰۸ مسند

۲۰۹ مفعول

۲۱۰ (فیه ما فیه: مولوی) / (تیرانا: محمدرضا رحمانی)

۲۱۱ شکوه و شکایت از اوضاع نابسامان جامعه قبل از انقلاب اسلامی (یا هر پاسخ درست دیگر)

۲۱۲ اتحاد مردم و پیوستنشان به جریان انقلاب

۲۱۳ نسیم سحرخیز: انقلاب و قیام مردم باغ: وطن، کشور

پاسخ سؤال ۲۱۴

۲۱۴ در دوران حکومت ستم‌شاهی که همه‌جا پر از درد و رنج بود، ما جز ظلم و ستم چیزی نمی‌دیدیم.

پاسخ سؤالات ۲۱۵ تا ۲۱۸

۲۱۵ دفترخانه، دادگاه

۲۱۶ محل عبور، گذرگاه

۲۱۷ صبح زود، هنگام سحر

۲۱۸ غم‌انگیز

۲۱۹ ارغند - شب

۲۲۰ "جناق / جناغ".

۲۲۱ باثق: باسق - بساط تحویه: تهویه - روزه خوانی و نوحه‌سرایی: روضه

۲۲۲ الف) که حرفتان را بشنوم - ب) مفعول

۲۲۳ الف) مفعول

ب) شما

۲۲۴ الف) گرفته‌ایم

ب) شما

۲۲۵ الف) بروم / ب) مفعول

۲۲۶ الف) درست

ب) نادرست

۲۲۷ الف) ۲ (استعاره) ب) ۴ (جناس تام) ج) ۱ (ایهام)

۲۲۸ الف) نشان

ب) تشخیص: مرگ - کنایه: به بازی نگرفت

پاسخ سوالات ۲۲۹ تا ۲۳۰

۲۲۹ "تناقض"

۲۳۰ "حسامیزی"

۲۳۱ الف) ماه

ب) زمزمه لطیف، زمزمه ملایم

۲۳۲ نیاز نیست - رگ گردنت

۲۳۳ شاهد نیاز نیست که در محضر آورند

۲۳۴ الف) یا "ماه آمده به دیدن خورشید، صبح زود / یا ماه بیملاحظه فتاده بین راه؟"

۲۳۵ الف) از دوردست می‌رسد آیا کدام پیک؟ (۲) ای مسلم شرف به کجا می‌کنی نگاه

ب) لبریز زندگی است نفس‌های آخرت (۳) آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه

۲۳۶ عشق حقیقی، شهادت در راه حق، ازجان گذشتگی و هر معادل مناسب دیگر

۲۳۷ برای یادآوری خاطرات شیرین مردم جهان

۲۳۸ الف جانبازان یا شهدای جنگ

ب بی اعتبار کردن مرگ

۲۳۹ به عهده گرفتن فرماندهی.

۲۴۰ جانبازی / قطع پا

۲۴۱ الف طی میکنم، میپیمایم
ب) طعامی که در مهمانی و عروسی میدهند.

۲۴۲ الف اسب سیاوش

ب به سرعت تاختن و گردو خاک زیاد

۲۴۳ مورد (الف)؛ "چو او را بدیدند برخاست غو که آمد ز آتش برون شاه نو".

۲۴۴ اتراق - چاه غدر - آزر و حیا - عصاره

۲۴۵ آزر و حیا / خوار و بی ارزش

۲۴۶ الف کاروان.

ب تا ساروان هیون آرد از دشت صد کاروان.

۲۴۷ الف رسم پهلوانی

ب اضافی: فرزند کاووس یا رسم پهلوانی، وصفی: شاه کیانی

پ بدل

۲۴۸ الف که

ب اضافی

پ معطوف

۲۵۸ الف شهریار

ب حرف اضافه

پ ترکیب اضافی: جان کاووس کی

۲۵۰ مضاف الیه

۲۵۱ گزینه ۲

۲۵۲ کیکاووس

۲۵۳ الف (ملی)
ب (داستانی)

۲۵۴ الف ← اغراق
ب ← اسلوب معادله
پ ← ایهام

۲۵۵ الف ← ۱ حس
ب ← ۴ اسلوب معادله
پ ← ۲ متناقضما

۲۵۶ الف

۲۵۷ سنگ را بر سیوی زدن: آزمایش کردن

۲۵۸ نویسنده دو حس شنوایی و لامسه را در جمله "گرم حرف می زدید" آمیخته است.

۲۵۹ ۱) اسلوب معادله
۲) ایهام
۳) حس آمیزی
۵) حسن تعلیل

۲۶۰ دشت: مردم

۲۶۱ الف خرق عادت

۲۶۲ آماده شدن (خود را معطر ساختن) برای رویارویی با مرگ

۲۶۳ روزگار و فلک، همه انسان های آزاده را مورد آسیب و رنجش قرار می دهد.

۲۶۴ الف) کیکاووس (پدر سیاوش)

ب) روبه‌رو کرد

۲۶۵ الف) ۴

ب) ۱

ج) ۵

د) ۳

۲۶۶ لطف و عنایت حق، انسان را از آسیب‌ها در امان نگه می‌دارد. (آتش سوزان مثل آب، سرد می‌شود)

۲۶۷ اگر یکی از این دو نفر (سیاوش یا سودابه) گناهکار باشد، دیگر کسی او را پادشاه نمی‌داند.

۲۶۸ هنگامی که سیاوش به سلامت از آتش خارج شد و مردم شاهد این صحنه بودند شادمانه فریاد برآوردند که شاه جدید به سلامت آمد.

۲۶۹ روز مانند شب تاریک است

۲۷۰ تهمت.

۲۷۱ الف) تجرید

پاسخ سؤالات ۲۷۲ تا ۲۷۵

۲۷۲ قوی و نیرومند

۲۷۳ رنج و سختی

۲۷۴ دل خود را متوجه حق کردن، دل از علایق بریدن و خواست خود را فدای خواست ازلی کردن، فرد شمردن و یگانه دانستن خدا

۲۷۵ نوعی لباس بلند مردانه، جامه‌ای است معروف که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند.

۲۷۶ الف) ناهار

ب) شست

۲۷۷ الف) ذوال ← زوال

ب) طعب ← تعب

پ) خوار ← خار

۲۷۸ جلوه آب: ترکیب اضافی
آب صاف: ترکیب وصفی

شهریار: معطوف - بلندترین کوه روی زمین: بدل ۲۷۹

الف ۲۸۰ درست

ب ۲۸۱ درست

پ ۲۸۲ نادرست

ت ۲۸۳ نادرست

۲۸۱ الف) پیوند وابسته‌ساز: "تا" یا "که" - پیوند هم‌پایه‌ساز: و
ب) است، به قرینه معنایی (معنوی)

۲۸۲ منطق الطیر عطار

۲۸۳ کنایه (تناسب یا مراعات نظیر و ایهام نیز درست است)

۲۸۴ عاشقان مجازی

۲۸۵ اشاره به این باور که طاووس پرنده‌ای بهشتی بوده است، اما به‌خاطر همدستی با ابلیس از بهشت رانده شده است.

پاسخ سؤالات ۲۸۶ تا ۲۸۷

۲۸۶ انسان‌هایی که عاشق حقیقی نیستند و به عشق‌های دنیوی و ناپایدار دل بسته‌اند.

۲۸۷ پیر و مرشد و راهنما

۲۸۸ بنا بر روایات، طاووس از مرغانی بهشتی بود و در فریفتن آدم و حوا، با شیطان همکاری کرد.

پاسخ سؤالات ۲۸۹ تا ۲۹۰

۲۸۹ طلب (وادی اول)

۲۹۰ فقر و فنا (وادی هفت)

الف ۲۹۱ فنا (وادی هفتم)

ب ۲۹۲ توحید (وادی پنجم)

۲۹۲ به انسان بی‌گناه یا درست‌کار آسیبی نمی‌رسد (یا هر مفهوم مشابه).

۲۹۳ فنا شدن عاشق در وجود معشوق (یا هر مفهوم مشابه).

۲۹۴ دنیا

۲۹۵ الف) ← ۲

ب) ← ۳

ج) ← ۱

۲۹۶ خورشید: سیمرغ یا خداوند - دژه: بهشت (دلبستگیهای مادی)

۲۹۷ به کوتاهی عمر به زیبایی اشاره دارد و می‌گوید؛ هرچند گل بسیار زیبا است اما این زیبایی و لطافت بیشتر از یک هفته دوام ندارد و از بین می‌رود.

۲۹۸ ۱) سر از یک گریبان برکنند.

۲) سنگ را بر سبزو زدن

۲۹۹ الف) حزافی

ب) مسلط‌شدن بر دیگران در سخن گفتن

۳۰۰ همگی به وحدت و یگانگی می‌رسند.

۳۰۱

ردیف	وادی عرفانی
الف	معرفت
ب	توحید
ج	استغنا

پاسخ سوالات ۳۰۲ تا ۳۰۵

۳۰۲ گل اگرچه خیلی زیباست ولی این زیبایی زودگذر است و در مدّت کوتاهی از بین می‌رود.

۳۰۳ عاشق کسی است که همچون آتش پرحرارت و مشتاق و سرکش و بی‌قرار است.

۳۰۴ بعد از وادی معرفت مرحله بی‌نیازی از غیرخدا در پیش است. در این مرحله از ادّعا و خواسته‌های مادی خبری نیست.

۳۰۵ بعد از وادی حیرت، مرحله فقر و فنا است. در این مرحله، سالک تمام صفات و وجود خویش را کنار می‌گذارد و در دریای عشق الهی محو می‌شود که در این مرحله حتی سخن گفتن جایز نیست.

۳۰۶ ولیمه: غذایی که در مهمانی یا عروسی می‌دهند.

۳۰۷ معهود: شناخته‌شده، معمول، عهدشده

۳۰۸ لهذا: بنابراین

۳۰۹ دیلاق: دراز و لاغر

۳۱۰ جیر: نوعی چرم دباغی‌شده با سطح نرم و پُرزدار / خرامان: با ناز و ادا راه رفتن

۳۱۱ استشاره: مشورت، نظرخواهی

۳۱۲ استیصال: درماندگی، ناچاری

۳۱۳ وجنات: صورت، چهره / هویدا: آشکار، روشن

۳۱۴ مجلس‌آرا: بزم آرا، آن‌که با حضور خود باعث رونق مجلس و سرگرم‌شدن حاضران می‌شود. / بلامعارض: بی‌رقیب

۳۱۵ کلک: آتشدانی از فلز یا سفال، کلک چیزی یا کسی را کندن: نابود کردن کسی یا چیزی

۳۱۶ عاریه: آنچه به امانت بگیرند و پس از رفع نیاز آن را پس بدهند.

۳۱۷ حضار: حاضران / محظوظ: بهره‌ور / جبهه: پیشانی

۳۱۸ می‌ماسد: به ثمر می‌رسد، به انجام می‌رسد

۳۱۹ شش‌دانگ: تمام، به‌طور کامل

۳۲۰ صلۀ ارحام: دیدوبازدید، به دیدار خویشاوندان رفتن و از آنان احوالپرسی کردن

۳۲۱ خمره: ظرفی به شکل خم و کوچک‌تر از آن

۳۲۲ به‌انضمام: به‌همراه، به‌ضمیمه / مایحتوی: محتوا، آنچه درون چیزی است.

طاق و سقف محدب - خورد رفتن و ساییده شدن - غلیان و جوشش ۳۲۴

کباب غاز (ذکر نام آثار دیگر نویسنده، درست است) الف ۳۲۵

شکسپیر: غزلواره‌ها - جمال‌زاده: کباب غاز ۳۲۶

الف) آرزوی عمر طولانی کردن ۳۲۷
ب) پسروی کردن، تنزل کردن

پاسخ سؤالات ۳۲۸ تا ۳۳۰

پشت دست داغ کردن: پشیمان شدن، توبه کردن ۳۲۸

سماق مکیدن: علاف بودن، منتظر بودن ۳۲۹

چند مرده حلاج بودن: میزان، توانایی ۳۳۰

نامیدی‌ام به امیدواری تبدیل شد، از ناامیدی به امیدواری رسیدن ۳۳۱

تأکید بر خوردن غذا ۳۳۲

الف) ← ۴ ۳۳۳

ب) ← ۱

ج) ← ۵

د) ← ۲

الف) (امیدوارشدن) ۳۳۴
ب) (توصیه به شادی در هنگام سختی)

گزینه ۱ با ۳: همه عیب از من آمد ← از ماست که بر ماست.
گزینه ۲ با ۲: سخن گفته دگر بازنیاید به زبان ← تیری که از شست رفته باز نمی‌گردد.
گزینه ۳ با ۱: باآنکه در وجود... ← گاه از خودمان نیست کاهدان از خودمان است.

پاسخ سؤالات ۳۳۶ تا ۳۳۷

صفت نسبی ۳۳۶

زمان، وقت، هنگام، توقیت ۳۳۷

۳۳۸ مشبه: خنده مشبه‌به: شمشیر

۳۳۹ شمشیر بر کشیده یا آماده

۳۴۰ پیوند وابسته‌ساز: که

جمله وابسته: خداوند آن را سر حدّ دنیای خلقت قرار داده است.

۳۴۱ الف) آسمان - ب) اضافی - پ) صفت فاعلی

۳۴۲ الف) صفت فاعلی

ب) هسته (پایه): به آن کس میرسد زین گنج بسیار. وابسته (پیرو): که باشد شادمانی را سزاوار

۳۴۳ تمهیدات: عین القضاة همدانی فیه ما فیه: مولوی

۳۴۴ "عشق"

۳۴۵ الف) می‌روند و باز می‌گردند / ب) نمیرم (تا زمانی که زنده‌ام)

۳۴۶ الف) خنده به گلی تشبیه شده که از ویژگی‌های آن شکفتن است.

ب) تشبیه (خنده به شمشیر) یا کنایه

۳۴۷ الف) اضافه استعاری

ب) یاری کردن، امیدوار ساختن

۳۴۸ حافظ.

۳۴۹ ضرورت‌های زندگی

۳۵۰ شادی معشوق (وطن) به شاعر امید زندگی و قدرت مبارزه میبخشد.

۳۵۱ الف) ← ۱

ب) ← ۲

۳۵۲ شمشیر برکشیده و آماده برای دفاع یا حمله

۳۵۳ مایه

۳۵۴ الف) اما

ب) می‌گنجد

۳۵۵ الف) جبین

۳۵۶ الف) لفظی

ب) ماضی نقلی

ج) چه

۳۵۷ الف) ماضی نقلی

ب) ترکیب اضافی

۳۵۸ الف) خویش، پیش. - ب) "برای ما چه خوابی دیده‌اند؟" یا "سر خویش گرفتم"

۳۵۹ صدای گرم: حس آمیزی

۳۶۰ معشوق را همواره جوان می‌بیند، پیری برای عشق جاودانی مهم نیست.

پاسخ سؤال ۳۶۱

۳۶۱ داستان عشق یک ماجرا بیشتر نیست؛ اما عجیب آنکه آن را از هرکس می‌شنوم، غیرتکراری است.

۳۶۲ سخن عشق تکراری نیست و عاشق از ذکر نام معشوق خسته نمیشود.

۳۶۳ شاعر عشق خود را با تازه‌ترین تعبیر بیان نموده است یا توصیفناپذیری عشق. محبوب دارای بهترین خصلتهاست یا وصفناپذیری معشوق.

۳۶۴ روح راست‌گوی عاشق هرچه را که در ذهن آدم می‌گنجد، برای معشوق ترسیم کرده است.

۳۶۵ توجه به اهمیت زبان مَلّی و تلاش برای حفظ آن

۳۶۶ راه دشوار و پر از سختی عشق (۵/۰)''

پاسخ سؤال ۳۶۷

۳۶۷ عشق جاودانی یا همیشگی، همواره عشق یا معشوق قدیمی خود را موضوع کتاب یا دیوان شعر خود قرار می‌دهد.

پاسخ سؤال ۳۶۸

۳۶۸ فکر و خیالی در ذهن انسان نمی‌گنجد که بتواند آن را بنویسد، اما روح راست‌گو و درست‌کردار من آن را برای تو، ای عشق جاودانی به تصویر نکشیده باشد.